

فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۸۶، بهار ۱۳۹۷، ۱۲۳-۸۹

ملاحظات اقتصادی و حقوقی در ساخت داخلی تجهیزات صنایع بالادستی نفت کشور با تأکید بر انتقال فناوری در قراردادهای جدید بالادستی نفتی و گازی ایران

عاطفه تکلیف*

علی فریدزاد** علیرضا غفاری***

پذیرش: ۹۶/۷/۴

دریافت: ۹۶/۲/۱۵

شاخص‌های اقتصادی و حقوقی ساخت تجهیزات / صنایع بالادستی نفت / انتقال فناوری /
قرارداد جدید نفتی ایران

چکیده

بخش تأمین تجهیزات مورداستفاده در بالادستی صنعت نفت کشور، یکی از مهم‌ترین بخش‌های این صنعت است که کماکان وابستگی قابل توجهی به خارج دارد. موارد متعددی برای تشریح اهمیت ساخت داخلی تجهیزات نفتی در ایران وجود دارد که تقویت امنیت ملی، انتقال و توسعه فناوری، رشد درون‌زای اقتصاد ملی و توسعه بازارهای صادراتی از آن جمله‌اند. ضمن این‌که توسعه صنعت ساخت تجهیزات نفتی در بخش بالادستی با سیاست‌های کلی کشور همراستا است. با بررسی منابع حقوق نفت کشور نیز ملاحظه می‌شود از بدو

at.taklif@gmail.com

afaridzad@yahoo.com

ar.ghafari@yahoo.com

*. استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی

**. استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی

***. دانشجوی رشته اقتصاد نفت و گاز، گرایش حقوق قراردادهای نفت و گاز، دانشگاه علامه طباطبائی

■ عاطفه تکلیف، نویسنده مسئول.

اعطای امتیازنامه‌ها و انعقاد قراردادهای نفتی با شرکت‌های خارجی، لزوم به‌کارگیری و توانمندسازی نیروی کار داخلی و تأمین حداکثری تجهیزات صنعت نفت توسط بخش‌های مرتبط در کشور، مورد توجه مقامات نفت و تأکید قانونگذار بوده است. در این مطالعه، از ملاحظات اقتصادی و حقوقی ساخت داخل تجهیزات صنعت نفت به‌عنوان چارچوبی برای بررسی قرارداد جدید نفتی ایران موسوم به IPC استفاده شده است. مبنای اظهارنظر درباره این قرارداد، مصوبات هیأت دولت در خصوص قراردادهای جدید نفتی بالادستی ایران است. ارزیابی این مصوبات در چارچوب مذکور نشان می‌دهد انتقال فناوری در چارچوب ملاحظات اقتصادی و حقوقی صنعت ساخت تجهیزات نفتی و همچنین توانمندسازی سازندگان داخلی تا سطح رعایت اصول اقتصادی بنگاه‌داری، در قالب ساختار مصوب قراردادهای جدید نفتی، به دلایلی نظیر انتظار نادرست تأمین نیازهای فناورانه این صنعت از شرکت‌های نفتی بین‌المللی و ناکارایی این الگوی قراردادی در ارتقای سطح فناوری تولیدکنندگان داخلی تجهیزات هدف، میسر نمی‌شود. سایر شاخص‌های مورد نیاز، نظیر حمایت جامع قانون ناظر بر این قرارداد از خرید از داخل و وجود ضمانت اجرای کافی، نیز با اشکالاتی در ساختار مصوب این قراردادها مواجه است که البته با اعمال تغییرات پیشنهادی در الگوی این قراردادها، قابل رفع خواهد بود.

طبقه‌بندی JEL: Q49, O14, K30, L51

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

صنعت نفت، مؤثرترین و بزرگ‌ترین صنعت فعال در ایران است. نفت علاوه بر این که منبع عمده تأمین انرژی در دنیای امروز محسوب می‌شود، نقش مهمی در تعیین میزان قدرت ملی و اعتبار بین‌المللی کشورهای مختلف ایفا می‌کند. بخش نفت در اقتصاد ایران سال‌های زیادی است که عمده درآمد ملی کشور را تأمین کرده و در واقع این بخش در اقتصاد کشور، نقشی مسلط دارد^۱.

صنعت نفت ایران با وجود بیش از یک‌صدسال تجربه در زمینه تولید و تجارت نفت و سابقه چهل ساله در بخش تجارت گاز، همچنان قادر به انجام فعالیت‌ها به صورت درونزا و بهره‌برداری از توان داخلی در تمامی بخش‌های عملیاتی و اجرایی نیست.

یکی از مهم‌ترین بخش‌های صنعت نفت کشور که همچنان به شکل قابل توجهی به خارج از کشور وابسته است، بخش تأمین تجهیزات مورد نیاز این صنعت است^۲. طبق قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه کشور (۹۴-۱۳۸۹)، حجم سرمایه‌گذاری مورد انتظار در صنعت نفت ایران ۲۰۰ میلیارد دلار بوده که ۶۰ درصد آن به خرید کالا، تجهیزات و طراحی مهندسی اختصاص داشته و البته هرگز محقق نگردیده است. با این وجود، براساس گزارش معاونت برنامه‌ریزی و نظارت بر منابع هیدروکربنی وزارت نفت (۱۳۹۲)، نزدیک به نیمی از کالاها و تجهیزات مورد نیاز این صنعت، وارداتی است^۳. همچنین، براساس گزارش معاونت پژوهشی وزارت نفت (۱۳۹۵) ارزش فعلی دارایی‌های فیزیکی صنعت نفت شامل تأسیسات و تجهیزات بالادستی و پایین‌دستی این صنعت بالغ بر ۴۰۰ میلیارد دلار است که این رقم با توجه به توسعه روزافزون صنعت نفت کشور، طبعاً در حال افزایش است^۴.

بی‌شک، اصلی‌ترین خاستگاه تقاضای تجهیزات صنعت نفت، قراردادهای بالادستی مورد استفاده در این صنعت و قراردادهای فرعی مرتبط با قراردادهای بالادستی است که

۱. سیدمشهدی و همکاران (۱۳۹۰)؛ ص ۱۳۳.

۲. در این مقاله مقصود از تجهیزات صنعت نفت و گاز در بخش بالادستی، تجهیزاتی است که طراحی و ساخت آن‌ها مبتنی بر اصول علمی و فناورانه باشد، به‌کارگیری آن‌ها در عملیات بالادستی، حامل ریسک‌های قابل توجهی بوده و لذا استفاده از آن‌ها نیازمند پذیرش در فرآیند تست فنی و وجود گواهینامه کیفیت از مراجع ذیصلاح باشد. کمپرسورها، پمپ‌های درون‌چاهی و سرچاهی، لوله‌های حفاری، جریان‌سنج‌ها، مواد نمک‌زدایی، حلال‌ها و... در این دسته‌اند.

۳. خجسته‌مهر (۱۳۹۲).

۴. معاونت پژوهشی وزارت نفت (۱۳۹۵).

می‌تواند طرف دوم قرارداد را به تلاش مؤثر در جهت افزایش توانمندی سازندگان داخلی ترغیب کرده و بر لزوم استفاده از این تجهیزات، تأکید کند. تجهیزات به کاررفته در صنعت نفت ایران با ۴۱۰۰ حلقه چاه نفت و گاز، ۲۲۰ سایت سکوی نفتی و گازی دریایی، ۸۰ سایت واحدهای بهره‌برداری، ۳۱ سایت نمک‌زدایی و نظایر آن، عموماً در بستر قراردادهای اصلی و فرعی بالادستی، خریداری و نصب شده است.

مقاله حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش اساسی است که «از منظر ملاحظات اقتصادی و حقوقی، قراردادهای جدید نفتی تا چه میزان در حمایت از سازندگان تجهیزات داخلی مورد استفاده در بالادستی صنعت نفت کشور موفق خواهد بود؟». همچنین، ادعا می‌شود که پیش‌بینی‌های ملحوظ در مصوبات هیأت وزیران در خصوص الگوی قرارداد جدید نفتی برای حمایت از صنایع مذکور، با مشکلات، معضلات و عدم تعادل‌های ساختاری از منظر ملاحظات اقتصادی و حقوقی همراه است. از این‌رو، این مطالعه در نظر دارد ملاحظات اقتصادی و حقوقی در ساخت داخلی تجهیزات صنایع بالادستی نفت کشور در بستر الگوی قرارداد جدید نفتی ایران و با تأکید بر موضوع انتقال فناوری (که معمولاً جزء جدایی‌ناپذیر اکثر قراردادهای بالادستی در صنعت نفت جهان محسوب می‌شود) را بررسی کند.

به‌منظور گسترش بحث، پس از بیان اهمیت توسعه صنایع داخلی ساخت تجهیزات نفتی در قسمت اول، به بررسی منابع حقوق نفت در حمایت از ساخت داخلی تجهیزات صنعت نفت کشور، در قسمت دوم می‌پردازیم. در ادامه و در قسمت سوم، با نظر داشت به فناورمحوری تجهیزات نفتی، ملاحظات اقتصادی و حقوقی ساخت داخلی این تجهیزات بررسی شده و پس از معرفی الگوی قراردادهای جدید نفتی به‌استناد مصوبات هیأت وزیران، از منظر موضوع این مطالعه، موانع و راهکارهای آن را در بستر این قراردادها در قسمت چهارم تحلیل خواهد شد. در همین قسمت، با احصاء موانع و راهکارها، پیشنهادهای اصلاحی بیان می‌شود. در پایان نیز جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ارائه خواهد شد.

۱. اهمیت ساخت تجهیزات صنعت نفت در داخل کشور

موارد متعددی برای تشریح اهمیت ساخت داخلی تجهیزات نفتی بخش بالادستی در ایران وجود دارد که در این بخش صرفاً به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود.

الف) تقویت امنیت ملی: آگاهی نسبت به لزوم توانمندسازی داخلی برای ساخت تجهیزات نفتی که در واقع اجزای اساسی و کلیدی بزرگ‌ترین و حیاتی‌ترین صنعت کشور محسوب می‌شوند، نیازمند توجه به مفهوم «امنیت ملی» است. امنیت ملی هر کشور اقتضاء می‌کند که آن کشور، در ساخت و تولید کالاها و ارائه تمام خدماتی که با حیات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کشور هدف، درهم‌تنیدگی شدیدی دارد، وابسته به خارج نبوده و توانمند باشد. بخش نفت در ایران، دقیقاً حائز همین ویژگی است. اهمیت بخش نفت در توسعه اقتصادی ایران غیرقابل انکار است. این کشور سابقه وابستگی بودجه کل خود را تا قریب به ۸۰ درصد به درآمدهای نفتی تجربه کرده و در نیم قرن گذشته، وابستگی به درآمد حاصل از صادرات نفت خام، هیچگاه از سهم ۲۵ درصدی در بودجه کل کشور، کمتر نشده است. سهم درآمدهای نفتی از کل صادرات کشور نیز در ربع قرن گذشته تا سال ۱۳۹۱ همواره حدود ۸۰ درصد بوده و در سال‌های اخیر به نزدیکی ۶۰ درصد کاهش یافته است!

البته عدم وابستگی به معنای عدم واردات این کالاها و خدمات و تولید تمام آن‌ها در داخل نیست. منطقی‌تر در شرایط عادی، ملاحظات اقتصادی، حقوقی، سیاسی و بین‌المللی هر کشوری ایجاب می‌کند که آن کشور، برخی کالاها و خدمات مورد نیاز خود را از سایر کشورها تأمین کند، با این وجود، نکته اساسی آن است که در صورت ایجاد هرگونه تعارض میان وابستگی به واردات کالاها و خدمات با امنیت ملی کشور، لازم است ملاحظات پیش‌گفته کنار گذاشته شده و کالاها و خدمات مورد نظر با استفاده از توان داخل تأمین شوند.

برای تشریح اهمیت این موضوع، باید به این امر توجه کرد که توقف عملیات نفتی ایران، به هر دلیل از جمله عدم تأمین تجهیزات مورد نیاز، یا تعلل و تأخیر در دستیابی به آن‌ها، پذیرفتنی نیست. در سال‌های گذشته، به‌علت وجود شرایط تحریم، برای واردات تجهیزات مورد نیاز از روش‌های غیرمستقیم و با واسطه، هزینه‌های زیادی صرف شده که به افزایش چشمگیر قیمت واقعی تجهیزات ختم شده است. طبعاً ساخت داخلی تجهیزات این صنعت می‌تواند در رفع این چالش‌ها، مؤثر واقع شود.

ب) هم‌راستایی با سیاست‌های کلی نظام: سیاست‌های کلی نظام به سیاست‌هایی اطلاق می‌شود که به استناد اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام از سوی رهبری ابلاغ می‌شود. برخی از مهم‌ترین اسناد سیاستی کلان کشور، نشان از همسویی موضوع ساخت داخلی تجهیزات نفتی با آن‌ها دارد. به‌عنوان نمونه، به استناد اصول سیاست‌های اقتصاد مقاومتی که پیاده‌سازی آن یکی از مسائل اساسی و کلیدی کشور در برهه فعلی قلمداد می‌شود، انجام اقداماتی نظیر شناسایی فعالیت‌های اقتصادی مزیت‌دار کشور و تعیین نقشه راه و تمرکز بر آن، احیای تولید و تکمیل ظرفیت بنگاه‌های داخلی، عدم تضعیف تولید داخلی با واردات کالای خارجی، مراقبت بر مصرف منابع ارزی در خارج از کشور و جلوگیری از اسراف و هدررفت آن، دانش‌بنیان‌سازی بخش‌های مهم اقتصادی و احیاء و استفاده از ظرفیت‌های موجود و بخش‌های سرمایه‌گذاری شده، همگی می‌تواند به مقاومتی کردن اقتصاد کشور کمک کند.^۱ در بخش‌هایی از سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه (۹۹-۱۳۹۵) نیز بر اهمیت این موضوع به نحو دیگری اشاره شده است. در بند ۱۷ به «دانش‌بنیان نمودن صنایع بالادستی و پایین‌دستی نفت و گاز با تأسیس و تقویت شرکت‌های دانش‌بنیان برای طراحی، مهندسی، ساخت، نصب تجهیزات و انتقال فناوری به‌منظور افزایش خودکفایی» تأکید شده و در بند ۸۰ به «توسعه و ساماندهی نظام ملی نوآوری و حمایت از پژوهش‌های مسأله‌محور و تجاری‌سازی پژوهش و نوآوری، و توسعه نظام جامع تأمین مالی در جهت پاسخ به نیاز اقتصاد دانش‌بنیان» اشاره شده است.

ملاحظه بندهای مرتبط در سیاست‌های کلی علم و فناوری^۲ و تطبیق آن با صنعت دانش‌بنیان ساخت تجهیزات صنعت نفت نیز بر همگرایی سیاست‌های کلی نظام با توسعه صنعت موصوف اشاره دارد.

پ) راهکاری برای جهش فناوری در کشور: فناوری مجموعه ابزارها، تجهیزات، دانش و فنونی است که کاربرد صنعتی و یا تجاری دارند.^۳ مدت‌هاست نویسندگان و تدوینگران قراردادهای صنعتی از جمله قراردادهای نفتی، تمام تلاش خود را به کار می‌گیرند تا در

۱. این استدلال به‌استناد بندهای ۶، ۷، ۸ و ۱۵ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی بیان شده است.

۲. بندهای ۱، ۴، ۵ و ۶ سیاست‌های کلی علم و فناوری.

قراردادهایی که برای انجام پروژه منعقد می‌کنند یا در قراردادهای جداگانه، پیمانکاران را مکلف به استفاده از فناوری‌های نوین، انتقال آن به خود و یا توسعه فناوری‌های موجود کنند. یکی از راهکارهایی که معمولاً برای انتقال و توسعه فناوری در صنعت نفت مطرح شده است، ساخت داخلی تجهیزات مورد نیاز برای صنعت نفت و ترغیب وزارت نفت به کاهش خریدهای خارجی و جایگزین‌سازی تولیدات داخلی به جای واردات تجهیزات است.^۱

به‌منظور تغییر نگرش به صنعت نفت از تولیدکننده و فروشنده نفت خام به یکی از موتورهای محرکه برای توسعه صنعتی کشور، سیاست ساخت داخلی تجهیزات مورد نیاز صنعت نفت به‌عنوان راهکاری برای انتقال و توسعه فناوری معرفی می‌شود. رفع موانع و چالش‌های اساسی از این سیاست، می‌تواند آثار مثبتی در افزایش سطح فناوری در صنعت نفت ایفاء کند. از این‌رو، توسعه ساخت داخل تجهیزات نفتی با به‌کارگیری فناوری‌های پیشرفته، منجر به توسعه اقتصاد مبتنی بر دانش و فناوری خواهد شد.

ت) رشد درونزای اقتصاد ملی و توسعه بازارهای صادراتی: با به‌کارگیری سرمایه‌های داخلی از یک‌سو و ارتقای توان مدیریتی و تخصص‌های فنی نیروی کار داخل از سوی دیگر، توسعه صنعت تجهیزات نفت موجب تقویت حضور بخش خصوصی در صنعت نفت می‌شود که شرط لازم برای رشد درونزای اقتصاد ملی است. همچنین، با رشد فناوری و ارتقای کیفیت تجهیزات نفت به سطح استانداردهای بین‌المللی، زمینه‌های لازم برای توسعه بازارهای صادراتی فراهم می‌شود.^۲

۲. مروری بر منابع حقوق نفت ایران^۴ در حمایت از ساخت و به‌کارگیری تجهیزات داخلی صنعت نفت

کشورهای میزبان با آشنایی اولیه با صنعت نفت و افزایش سطح آگاهی علمی و فنی و لزوم

۱. ابراهیمی و خوش‌چهره (۱۳۹۴)؛ ص ۶۸.

۲. درخشان و تکلیف (۱۳۹۴)؛ ص ۶۷.

۳. تکلیف و همکاران (۱۳۹۳)؛ ص ۲.

۴. منابع حقوق نفت شامل قراردادهای نفتی، قوانین ملی مرتبط با نفت، معاهدات دو و چندجانبه، مقررات حقوق بین‌الملل، حقوق عرفی نفت و نظریات علمای حقوق است (شیروی (۱۳۹۳)؛ ص ۹۶-۹۷) که در این مقاله به فراخور موضوع، قراردادها و قوانین ملی مرتبط با نفت مرور می‌شوند.

استفاده از درآمدهای نفتی در به گردش درآوردن چرخ‌های اقتصاد داخلی، به این نتیجه رسیدند که شرکت‌های نفتی بین‌المللی را به استفاده از کالاها و خدمات داخلی خود متعهد کنند. البته این تعهد از دیرباز فرع بر وجود سه شرط بود. اول، کمتر یا مساوی بودن قیمت کالا یا خدمات داخلی، دوم، بهتر یا برابر بودن کیفیت کالا یا خدمات داخلی و سوم، در دسترس و فراهم بودن کالا و خدمات داخلی در مقیاس مورد نیاز. در بند «و» ماده یازدهم قانون نفت سال ۱۳۳۶^۱ آمده است، شرکت نفتی بین‌المللی در صورتی می‌تواند کالایی مورد نیازش را وارد کند که نتواند از کالای داخلی استفاده کند: «در تمامی موارد، عاملی که این اجناس را وارد می‌کند، باید در تحصیل لوازم و حوائج مورد مصرف خود نسبت به اشیایی که در ایران ساخته و مهیا می‌شود، رجحان قائل شود، با این قید که اشیای مذکور با مقایسه آن با اشیای مشابه خارجی با همان شرایط مساعد، از لحاظ نوع جنس و قیمت و سهل‌الحصول بودن آن در مواقع لزوم به مقادیر مورد نیاز و قابل مصرف بودن آن در موردی که برای آن منظور شده، در ایران به دست بیاید»^۲.

البته پیش از قانون مذکور، موضوع حمایت از ساخت داخل تجهیزات نفتی برای اولین بار در تبصره بند «ب» ماده (۸) لایحه قانونی اولین اساسنامه شرکت ملی نفت ایران مصوب ۵ آذر ۱۳۳۱ و پس از جریان ملی شدن صنعت نفت مورد توجه قرار گرفته بود: «شرکت موظف است برای تهیه وسائل صنعتی یا موارد مصرفی خود، با توجه به مرغوبیت و ارزش جنس و رعایت مصالح اقتصادی، نسبت به خرید کالاهای متشابه داخلی حق تقدم قائل شود و وسائل را برانگیزد که حتی الامکان محصولات و مصنوعات داخلی را به مصرف برساند.» تقریباً در تمام قراردادهایی که بر مبنای قانون نفت سال ۱۳۳۶ منعقد شده، موضوع اولویت در تأمین کالا و خدمات داخلی به شکل یادشده، مورد توجه قرار گرفت. در این خصوص می‌توان به قرارداد تفحص و اکتشاف و استخراج و بهره‌برداری نفت بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت ایتالیایی آجیپ مینراریا (۱۳۳۶/۶/۲) و لایحه قانونی مربوط به مجوز مبادله و اجرای پنج فقره قرارداد نفت (۱۳۴۳/۱۱/۲۴) اشاره کرد^۳.

۱. قانون مربوط به تفحص و اکتشاف و استخراج نفت در سراسر کشور و فلات قاره (مصوب ۱۳۳۶/۵/۷)، موسوم به قانون نفت ۱۳۳۶ است که نخستین قانون نفت ایران محسوب می‌شود.

۲. کاظمی نجف‌آبادی (۱۳۹۳)؛ ص ۸۸.

۳. امور حقوقی شرکت ملی نفت ایران (۱۳۹۲)؛ صص ۲۹۸ و ۵۱۸.

قانون نفت سال ۱۳۵۳ به عنوان دومین قانون نفت ایران، تغییرات ماهوی زیادی نسبت به قانون نفت سال ۱۳۳۶ اعمال داشته است، با این وجود، در خصوص موضوع این مطالعه، تعبیر نسبتاً مشابهی ارائه می‌دهد: «کالاها و خدمات مورد نیاز عملیات در هر قرارداد از منابع داخلی کشور تهیه و تحصیل خواهد شد. استفاده از کالاها و خدمات خارجی وقتی مجاز خواهد بود که کالاها و خدماتی که در ایران تهیه و عرضه می‌شود، به تشخیص شرکت ملی نفت ایران از لحاظ کیفیت برای رفع نیازمندی عملیات مناسب نباشد و یا به مقادیر مورد نیاز در دسترس نباشد و یا آن که قیمت کالاها و خدمات عرضه شده در ایران به تشخیص شرکت ملی نفت بیش از بیست درصد از قیمت کالاها و خدمات خارجی گرانتر باشد»^۱.

قراردادهای نفتی منعقد پس از تصویب این قانون نیز از شرایط طراحی شده برای استفاده از تجهیزات نفتی ساخت داخل تبعیت کرده‌اند که در آن خصوص می‌توان به شش قرارداد پیمانکاری منعقد فیما بین شرکت ملی نفت ایران با شرکت‌های سی‌اف‌پی^۲، آجیپ^۳، پان کانادین^۴، دمنیکس^۵ (دو قرارداد) و اولترامار لیمیتد^۶ اشاره کرد.^۷

تبصره (۱) ماده (۷) قانون اساسنامه دوم شرکت ملی نفت (مصوب ۲۵ دی ۱۳۳۳)، تبصره (۱) بند «ب» ماده (۷) اساسنامه سوم (مصوب ۲۸ اردیبهشت ۱۳۳۹)، تبصره (۷) بند «الف» ماده (۸) اساسنامه چهارم (مصوب ۱۵ اردیبهشت ۱۳۴۷)، تبصره (۶) بند «الف» ماده (۸) اساسنامه پنجم (مصوب ۲۰ مرداد ۱۳۵۳)، بند «الف» ماده (۹) اساسنامه ششم (مصوب ۱۷ خرداد ۱۳۵۶) و همچنین ماده (۵) قانون توسعه صنعت گاز ایران (مصوب ۲۵ اردیبهشت ۱۳۵۱) به طرز مشابهی از ساخت داخل تجهیزات نفتی حمایت کرده‌اند.

قانون نفت سال ۱۳۶۶ در واقع سومین قانون نفت کشور است و از آنجا که در این قانون به چگونگی انعقاد قراردادهای نفتی اشاره‌ای نشده است، لذا می‌توان گفت این قانون به لحاظ محتوایی تفاوت‌های چشمگیری با دو قانون قبلی دارد. سازوکار انعقاد قراردادهای نفتی با شرکت‌های خارجی را ماده (۵) این قانون تعیین کرده است: «انعقاد قراردادهای

۱. ماده (۲۴) قانون نفت سال ۱۳۵۳.

2. CFP: Francaise Des Petroles.

3. AGIP.

4. PanCanadian Energy Corporation.

5. Dominix.

6. Ultramar Limited.

۷. امور حقوقی شرکت ملی نفت ایران (۱۳۹۲)؛ صص ۱۶۸۲ الی ۱۸۶۱.

مهم فی مابین وزارت نفت یا واحدهای عملیات نفتی با اشخاص حقیقی و حقوقی داخلی و خارجی و تشخیص موارد مهم، تابع آئین نامه‌ای خواهد بود که با پیشنهاد وزارت نفت به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید^۱. متأسفانه چنین آئین نامه‌ای هیچگاه تهیه نشد^۱.

یکی از تحولات بزرگ ایجاد شده در قراردادهای نفتی بالادستی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، عدم انتشار این قراردادها و محرمانه ماندن آنها است. تمام قراردادهای نفتی منعقد شده قبل از انقلاب اسلامی، از زمان رویتر (۱۲۵۱) و داریسی (۱۲۸۰) تا قرارداد پیمانکاری آجیب (۱۳۵۳) به آگاهی عمومی می‌رسید^۲، اما قراردادهای نفتی منعقد شده بعد از انقلاب اسلامی محرمانه تلقی شد^۳. در واقع تمام قراردادهای نفتی پیش از پیروزی انقلاب اسلامی به موجب قانون باید برای تصویب به مجلس ارائه می‌شد، لیکن با توجه به این که در قانون نفت ۱۳۶۶، تصریح نشده است که قراردادهای نفتی با شرکت‌های خارجی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد، دسترسی به قراردادهای نفتی عملاً امکان‌پذیر نشد؛ تا این که در ماده (۱۵) قانون نفت سال ۱۳۹۰ وزارت نفت و شرکت‌های تابعه موظف شدند یک نسخه از قراردادهای منعقد شده را «به صورت محرمانه» به مجلس شورای اسلامی تسلیم کنند. تصریح لغت محرمانه، عملاً تأیید عدم انتشار قراردادهای نفتی پس از پیروزی انقلاب اسلامی است. به استناد ماده (۶) قانون نفت سال ۱۳۶۶ هرگونه سرمایه‌گذاری خارجی که متضمن حضور سرمایه‌گذار خارجی و مالکیت بر منابع و تأسیسات و تجهیزات شود، ممنوع و صرفاً امکان به‌کارگیری قراردادهای خدمت براساس ماده (۱۲) قانون نفت سال ۱۳۵۳ فراهم شد. بنابراین در سال ۱۳۶۶، مجلس شورای اسلامی به شرکت ملی نفت اجازه داد تا قراردادهایی حداکثر به مبلغ ۳/۲ میلیارد دلار برای توسعه میادین گازی پارس و پارس جنوبی با شرکت‌های خارجی منعقد کند، مشروط بر این که هزینه‌های صورت گرفته برای توسعه، از محصولات خود پروژه مستهلک شوند و بانک مرکزی بازپرداخت هزینه‌های مزبور را تضمین کند. اگرچه مفهوم بیع متقابل در عمل توسط قانون بودجه سال ۱۳۷۲ ایجاد شد، این

۱. درخشان (۱۳۹۲)؛ ص ۷۸.

۲. البته به نظر می‌رسد پس از صدور اصل ۲۴ قانون اساسی (۱۲۸۵)، در یک فقره، سپهسالار قراردادی را به صورت محرمانه امضا می‌کند. خوشناریا که با حمایت دولت روسیه برای گرفتن امتیاز نفت تمام نواحی شمال ایران به این کشور آمده بود، علاوه بر امتیازنامه محال ثلاثه، قراردادی هم با دولت امضا کرد که بر وفق آن امتیاز استخراج نفت در سه ایالت گیلان، مازندران و استرآباد به او واگذار شد. آن قرارداد مربوط به محال ثلاثه را سپهسالار شخصاً به عنوان یک قرارداد خصوصی در سال ۱۲۹۴ امضا کرده بود. امور حقوقی شرکت ملی نفت ایران (۱۳۹۲)؛ ص ۱۸.

۳. درخشان (۱۳۹۲)؛ ص ۸۰.

تصمیم با اندکی اغماض، قرین بر قراردادهای بیع متقابل بود. در بخش بالادستی صنایع نفت و گاز، تا سال ۱۳۹۲، ۳۵۰ قرارداد به شیوه بیع متقابل امضا شده، ۳۰ قرارداد فعال شده و ۲۰ مورد آن به اجرا و بهره‌برداری رسیده است.^۱

نسل اول قراردادهای بیع متقابل از سال ۱۳۷۳ به پروژه‌های بالادستی صنعت نفت ایران معرفی شد که براساس آن، قراردادهای متعددی در این خصوص با شرکت‌های نفتی بین‌المللی منعقد و اجرا شد. نسل دوم قراردادهای بیع متقابل، متعاقب قانون بودجه سال ۱۳۸۲ شکل گرفت که براساس آن، شرکت ملی نفت ایران مجوز انعقاد قراردادهای بیع متقابل را با شرکت‌های خارجی به صورت توأمان برای اکتشاف و برای توسعه میادین نفت و گاز دریافت کرد. نسل سوم قراردادهای بیع متقابل در جهت رعایت ضوابط و مقررات عام و خاص کشور، به ویژه ماده (۱۴) قانون برنامه چهارم توسعه کشور و با هدف پاسخ به نیازها و مقتضیات جدید پروژه‌های بالادستی و رفع نواقص گذشته، توسعه یافته، تا جایی که در حد استانداردهای بین‌المللی، قابلیت جذب سرمایه‌گذاری طولانی‌مدت در بخش بالادستی صنعت نفت و گاز را داشته باشد.^۲

تمام نسل‌های قراردادهای بیع متقابل اهتمام ویژه‌ای به استفاده هر چه ممکن از ظرفیت‌های داخلی در اجرای این قراردادها داشته‌اند. این موضوع در قراردادهای بیع متقابل نسل اول به دو صورت اشاره شده است: نخست؛ پیش از ابلاغ قانون حداکثر (۱۳۷۵)^۳ و از طریق قوانین بودجه سالانه کشور و دوم؛ با تصویب قانون حداکثر (۱۳۷۵) و حاکمیت آن بر قراردادهای نسل اول. البته به دلیل عدم در نظرگیری پاداش و یا جریمه در خصوص رعایت و یا عدم رعایت حد نصاب قانون در نسل اول، پیمانکاران بعضاً با استفاده از استثنائات موجود در قانون و نیز مصوبه شورای اقتصاد، میزان درصد قانونی استفاده از ظرفیت داخلی را کاهش می‌دادند. در قراردادهای بیع متقابل نسل دوم، پیمانکار ملزم به اجرای قانون حداکثر (۱۳۷۵) و اختصاص حداقل ۵۱ درصد از هزینه‌های سرمایه‌ای قرارداد برای به کارگیری نیروها و کالاهای ایرانی است. تفاوت این موضوع با قراردادهای نسل اول، تعیین جریمه‌ای برای

۱. حاتمی و کریمیان (۱۳۹۳)؛ ص ۶۵۶.

۲. ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۱)؛ ص ۲.

۳. مقصود، «قانون حداکثر استفاده از توان فنی، مهندسی، تولیدی و صنعتی و اجرایی کشور در اجرای پروژه‌ها و ایجاد تسهیلات به منظور صدور خدمات - مصوب ۱۲ اسفند ۱۳۷۵» است. برای رعایت اختصار از این قانون به عنوان «قانون حداکثر (۱۳۷۵)» یاد می‌شود.

پیمانکاران در صورت دست‌نیافتن به میزان ۵۱ درصد است.^۱

در قراردادهای بیع متقابل نسل سوم، نه تنها تکلیف به حداقل درصد سهم داخلی تصریح شده، بلکه برای عدم رعایت آن، جریمه در قالب کاهش درصدی از حق الزحمه پیش‌بینی شده است. در برخی قراردادهای بیع متقابل نسل سوم، حتی حق فسخ هم برای نقض این تکلیف پیش‌بینی شده است. ماده (۲۴) این قراردادها چنین مقرر می‌کند: «(۱) مطابق با قوانین و مقررات ایران، پیمانکار باید در تهیه تجهیزات، وسایل، کالاها، مواد و خدمات به شرح مندرج در برنامه جامع توسعه، حداکثر استفاده را از منابع بومی ایرانی به عمل آورد. در چارچوب این قرارداد، استفاده از منابع و خدمات ایرانی مطابق با قوانین و مقررات مربوطه باید حداقل ۵۱ درصد هزینه‌های سرمایه‌ای را تشکیل دهد. (۲) پیمانکار موظف است در مورد مقادیر استفاده از خدمات و منابع ایرانی، هر سه ماهه به شرکت ملی ایران گزارش دهد. (۳) اگر پیمانکار کلاً یا جزئاً مقررات این ماده را رعایت نکند، به ازای هر درصد کاهش، متناسباً یک درصد حق الزحمه پیمانکار کسر می‌شود.» به‌عنوان نمونه اگر به جای ۵۱ درصد سهم داخلی، پیمانکار فقط ۴۱ درصد را محقق سازد، شرکت ملی نفت ایران می‌تواند ۱۰ درصد حق الزحمه پیمانکار را کاهش دهد.^۳

بر این اساس، پیمانکار مکلف است «برنامه حداکثر استفاده از توان ایرانی»^۴ را تهیه کرده و به «کمیته فرعی مشترک برای بهره‌برداری از ظرفیت ایرانی»^۵ ارائه دهد. این کمیته نیز برنامه تهیه‌شده توسط پیمانکار را براساس «ساختار تجزیه و تفکیک کارها»^۶ و نقش ظرفیت‌ها و توان داخلی در هریک از کارهای مذکور، توسعه داده و برای تصویب به کمیته مدیریت مشترک تحویل می‌دهد.^۷

متأسفانه در قانون اصلاح قانون نفت سال ۱۳۶۶ مصوب سال ۱۳۹۰، اصلاحیه‌ای بر ماده (۵) قانون نفت سوم ایران در خصوص شرایط انعقاد قراردادهای نفتی اعمال نشده و بنابراین

۱. ابراهیمی و شیرعجیان (۱۳۹۳)؛ ص ۱۹.

۲. این نحوه محاسبه جریمه در همه قراردادهای نسل سوم یکسان نیست. همچنین در برخی قراردادهای بیع متقابل تحقق بیش از ۵۱ درصد سهم داخلی موجب پرداخت پاداش به پیمانکار می‌شود.

۳. شیروی (۱۳۹۳)؛ صص ۴۹۰-۴۸۹.

4. Iranian Content Plan.

5. JICSC: Joint Iranian Content Subcommittee.

6. Work Breakdown Structure.

۷. حاتمی و کریمیان (۱۳۹۳)؛ ص ۸۷۲.

پیش‌بینی دقیقی نسبت به حمایت از ساخت تجهیزات نفتی در این قانون لحاظ نشده است. انتخاب سازوکار انعقاد قراردادهای نفتی در قانون اصلاح ۱۳۹۰ صرفاً با یک تغییر جزئی، کماکان مبتنی بر مسیر محرمانه قبلی است. تغییر اشاره شده، مربوط به ماده (۳) این قانون است که «نظارت بر انجام عملیات نفتی و سایر وظایف مندرج در قانون نفت ۱۳۶۶» را از حوزه اختیارات وزارت نفت خارج و به هیأت عالی نظارت بر منابع نفتی تفویض کرده است. این تغییر به دو دلیل، به «تغییر جزئی» تعبیر شد: اول، فقدان ترکیب تخصصی نیروها در هیأت عالی نظارت بر منابع نفتی کاملاً مشهود است^۱ و دوم، در شرح وظایف مرتبط این هیأت (بند ۳ از ماده ۷ قانون ۱۳۹۰) اشاره دقیقی به ضرورت توجه به حمایت از خرید کالا و خدمات داخلی نشده است.^۲

با وجود موارد فوق، ابلاغ قوانینی که مستقیم یا غیرمستقیم با هدف حمایت از ساخت داخلی تجهیزات نفتی تدوین شده‌اند، از نقاط مثبت حمایت قانونی از این صنعت پس از پیروزی انقلاب اسلامی محسوب می‌شود. علاوه بر اکثر قوانین بودجه سالیانه و قوانین پنج‌ساله توسعه کشور، دو قانون حداکثر استفاده از توان داخلی^۳، قانون تنظیم بخشی از مقررات تسهیل نوسازی صنایع کشور (مصوب ۲۶ مرداد ۱۳۸۲)، بند «د» ماده (۱۳) و بند «د» ماده (۲۰) قانون برگزاری مناقصات (مصوب ۳ بهمن ۱۳۸۳)، تبصره (۱) ماده (۴۱) قانون مالیات بر ارزش افزوده (مصوب ۱۷ اردیبهشت ۱۳۸۷)، قانون حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان و تجاری‌سازی نوآوری‌ها و اختراعات (مصوب ۵ آبان ۱۳۸۹)، قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت (مصوب ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۱)، قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور (مصوب ۱ اردیبهشت ۱۳۹۴) و قانون اساسنامه هفتم

۱. ترکیب هیأت عالی نظارت به این قرار است: «وزیر نفت به‌عنوان دبیر هیأت، معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور، وزیر امور اقتصادی و دارایی، رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، رئیس کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی، رئیس کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی، دادستان کل کشور، دونفر از معاونین وزارت نفت به انتخاب وزیر نفت.»

۲. درخشان (۱۳۹۲)؛ ص ۸۷.

۳. بند (۳) ماده (۷) قانون ۱۳۹۰: «بررسی و ارزیابی متن، حجم مالی، تعهدات، مقدار محصول و زمان اجرای قراردادهای مهم نفت و گاز در جهت صیانت از عواید حاصل از انفال عمومی در حوزه نفت و گاز و امکان اجرای قرارداد.»

۴. اگرچه قانون حداکثر (۱۳۷۵) به موجب ماده (۲۳) قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور و تقویت آن‌ها در امر صادرات (مصوب ۱ مرداد ۱۳۹۱ - منبهد برای رعایت اختصار از آن به‌عنوان قانون حداکثر (۱۳۹۱) یاد می‌شود) به‌طور صریح نسخ شد، لیکن عمده قراردادهای بیع‌مقابل از جمله بیع‌مقابل نسل سوم، در زمان حاکمیت قانون منسوخ شده فوق منعقد شده‌اند - ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۳)؛ ص ۱۵.

شرکت ملی نفت ایران، به ویژه مواد (۶) و (۵۲) (مصوب ۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۵) نیز به این مسأله پرداخته‌اند.

عوامل اهمیت ساخت داخلی تجهیزات نفتی که در این مقاله به برخی از آن‌ها اشاره شد، نشان از ضرورت تغییر نگرش به این صنعت دارد. ملاحظه سوابق تاریخی حمایت از ساخت تجهیزات نفتی، نشان می‌دهد با وجود تأکید بر لزوم استفاده از تجهیزات ساخت داخل در سال‌های متمادی، عدم تأمین الزامات اساسی این مهم، که خود مبین چالش‌های آن است، به این امر منجر شده که علی‌رغم گذشت بیش از یک قرن در اجرای عملیات بالادستی، کماکان بخش قابل توجهی از تجهیزات مورد نیاز وارداتی باشد. به نظر می‌رسد، عدم توجه به ملاحظات اقتصادی و حقوقی ناظر بر ساخت تجهیزات داخلی، علت اساسی بروز چالش‌های پیش‌روی این صنعت است. از این‌رو، برای بررسی پرسش تحقیق، ملاحظات مذکور را احصاء کرده و به ارزیابی عملکرد آن‌ها در رفع چالش‌ها خواهیم پرداخت.

۳. ملاحظات اقتصادی و حقوقی ساخت داخل تجهیزات صنعت نفت: چارچوبی برای بررسی موضوعی الگوی قرارداد جدید نفتی

بسیاری از کشورهای جهان، اعم از کشورهای توسعه‌یافته و یا کشورهای در حال توسعه، الزام سهم داخل^۱ را برای سال‌های متمادی، بر سرمایه‌گذاران خارجی اعمال کرده‌اند. الزام سهم داخل به مفهوم آن است که سرمایه‌گذار خارجی مکلف شود درصد یا میزان معینی از مواد اولیه، تجهیزات، ماشین‌آلات و خدمات مورد نیاز پروژه موضوع سرمایه‌گذاری خود را از کالاها و خدمات تولید داخل کشور تأمین کرده و آن را در پروژه خود به کار گیرد. به دیگر سخن، مطابق الزام سهم داخل، نسبت معینی از کالای نهایی باید از تولید داخل کشور میزبان تأمین شود.^۲

بانک جهانی در مطالعه‌ای به بررسی میزان اعمال «الزام سهم داخل» در بخش نفت و گاز در چندین کشور پرداخته که نتایج آن در جدول (۱) نشان داده شده است.

1. Local Content Requirement.

۲. شیروی و پوراسماعیلی (۱۳۹۰): ص ۴۳.

جدول ۱- میزان اعمال الزام سهم داخل (LCR) در بخش نفت و گاز در برخی کشورهای جهان

نام کشورها	میزان اعمال الزام سهم داخل
اندونزی و تایلند	سهم داخل = ۱۰۰٪
ترکیه، نیوزلند و روسیه	۹۰٪ > سهم داخل
فیلیپین، استرالیا، پرو، امریکا، افریقای جنوبی، هلند، کلمبیا، آرژانتین، چین، نروژ، پاکستان، قزاقستان، ونزوئلا، هند، انگلستان، برزیل، مکزیک، کانادا و مالزی	۹۰٪ < سهم داخل < ۸۰٪
مصر، عمان، ساحل عاج، بولیوی و کامرون	۸۰٪ < سهم داخل < ۷۰٪
ماداگاسکار، کویت، تونس، اکوادور، ایران، آذربایجان و شیلی	۷۰٪ < سهم داخل < ۶۰٪
مالاوی و بحرین	۶۰٪ < سهم داخل < ۵۰٪
اوگاندا، بنگلادش و قطر	۵۰٪ < سهم داخل < ۴۰٪
موریس، موزامبیک، ویتنام، عربستان، آرژانتین و نیجریه	سهم داخل > ۴۰٪

مأخذ: سیاست‌های الزام سهم داخل در بخش نفت و گاز، بانک جهانی (۲۰۱۳).

بررسی موضوع الزام سهم داخل در قراردادهای و الگوهای قراردادی برخی کشورها حاکی از شباهت شرایط استفاده از تجهیزات کشور میزبان با رویه ایران در قراردادهای مبتنی بر قوانین نفت سال ۱۳۳۶ و ۱۳۵۳ است. در برخی قراردادهای نفتی، شرایط استفاده و ترجیح کالاها، تجهیزات و خدمات داخلی نسبت به اقلام مشابه خارجی در پروژه برشمرده شده‌اند. برای مثال، قرارداد نمونه بنگلادش (مدل ۲۰۰۸) در این خصوص چنین مقرر داشته است: «طرف قرارداد علاوه بر تعهدات دیگری که در این قرارداد ارائه نموده است، باید متعهد به آن شود که از مصنوعات، ابزار، تجهیزات، ماشین‌آلات و اجناس و مواد مصرفی داخلی استفاده نماید، مادامی که کیفیت، قیمت و زمان تحویل آن با مشابه خارجی که در دسترس است، قابل مقایسه باشد».

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در قرارداد مزبور عامل دیگری به نام «زمان تحویل» نیز به شرایط ترجیح اقلام داخلی نسبت به مشابه خارجی افزوده شده است. در خصوص شرایط برابری در قیمت نیز باید گفت قیمت خالص تجهیزات، کالاها و خدمات خارجی، معیار اعمال شرط مزبور قرار نگرفته و هزینه‌هایی مانند هزینه حمل و نقل و بیمه نیز در ارزش‌گذاری

نهایی و ترجیح یا عدم ترجیح اقلام داخلی بر نوع مشابه خارجی آن‌ها محاسبه خواهد شد. در پاره‌ای از قراردادهای، ضمن بیان شرایط ترجیح، این نکته نیز تصریح شده است:

«در تهیه تجهیزات، طرف قرارداد باید نسبت به کالاهایی که در ترکمنستان ساخته شده یا در دسترس است و خدماتی که توسط اشخاص حقیقی و حقوقی ترکمنستانی قابل ارائه است، ترجیح قائل شود. کالاها و خدمات ارائه شده از منظر کیفیت، قیمت و در دسترس بودن در زمان و مقدار، باید مساوی یا بهتر از کالاهای خارجی باشند. - تجهیزات، کالاها و خدمات داخلی در دسترس از منظر قیمتی، زمانی با کالاهای خارجی همسنگ می‌شوند که مبالغی شامل هزینه حمل و نقل و هزینه بیمه به کالاهای وارداتی اضافه گردد.» (قرارداد نمونه ترکمنستان، ماده ۱۷)

در برخی قراردادهای افزون بر شرایط اخیر، اجازه تصویب دولت میزبان را نیز به منظور واردات اقلام خارجی لازم شمرده است. به‌عنوان مثال قرارداد نمونه امتیازی برزیل (مدل ۲۰۰۸) در این خصوص چنین مقرر داشته است: «در مواقعی که بخشی از قرارداد شامل کالاها و خدمات داخلی از شرایط ضعیف‌تری نسبت به بازار بین‌المللی برخوردار باشد، به‌نحوی که در برنامه زمانی فعالیت‌های طرف قرارداد خللی ایجاد کند، طرف قرارداد باید پیشتر و فوراً درخواست خود را به صاحب امتیاز، به صورت موردی ارائه نماید. صاحب امتیاز در صورت تصویب، اجازه لازم را صادر نموده و آنگاه تأمین کالا و خدمات مورد نظر از خارج از تعهدات، رعایت درصد سهم داخل طرف قرارداد، خارج می‌گردد.»

همان‌گونه که در مقدمه بیان شد، قراردادهای نفتی بالادستی و قراردادهای فرعی مرتبط با آن، به‌خصوص در کشورهایی که میادین موجود در آن‌ها برای توسعه و تولید به شرکت‌های خارجی واگذار می‌شود، خاستگاه اصلی تقاضای تجهیزات صنعت نفت هستند و توجه به ملاحظات اقتصادی و حقوقی الزام سهم داخل، در این قراردادهای می‌تواند چارچوب مناسبی برای ارزیابی نحوه حمایت از ساخت داخل تجهیزات نفتی باشد. به بیان دیگر، اقتضات اقتصادی و حقوقی الزام سهم داخل در حوزه به‌کارگیری تجهیزات مورد استفاده در بخش بالادستی در قراردادهای نفتی، واجد شاخص‌هایی است که می‌تواند چارچوب نظری مطلوبی برای ارزیابی انواع قراردادهای نفتی ایجاد کند.

۱-۳. ملاحظات اقتصادی الزام سهم داخل در بخش تجهیزات صنعت نفت

صنایع تولیدی هر کشور تأثیرپذیری فراوانی از ساختار نهادی اقتصاد آن کشور دارند و اصول و قواعد اقتصادی حاکم بر آن‌ها، براساس مقتضیات اقتصادی آن کشور شکل گرفته است. صنایع ساخت تجهیزات نفتی نیز از این قاعده مستثنی نیست. همان‌گونه که ذکر شد، صنعت نفت در ایران، بزرگ‌ترین صنعت کشور محسوب شده و با توجه به سهم و اهمیت تجهیزات این صنعت، نقش‌های گسترده و منحصر به فردی بر تقویت امنیت ملی، انتقال و توسعه فناوری، رشد درون‌زای اقتصاد ملی و توسعه بازارهای صادراتی در کشور ایفا کرده و متضمن اعمال سیاست‌های کلی نظام در عرصه اقتصادی است.

در بازگویی میزان اهمیت توجه به این ظرفیت عظیم اقتصادی، خاطر نشان می‌گردد حجم دارایی‌های فیزیکی فعلی صنعت نفت کشور، تقریباً برابر با تولید ناخالص داخلی سالانه کل کشور بوده و از این حیث، تلاش در جهت داخلی‌سازی پتانسیل‌های اقتصادی ساخت تجهیزات صنعت مذکور، قطعاً ارزش‌های وافری برای اقتصاد کشور به ارمغان خواهد آورد. توجه به موضوع نوسازی، نگهداشت و تعمیرات این تجهیزات، ارزش اقتصادی این پروژه‌ها را دوچندان می‌سازد. به گزارش توردو و آنوتی^۱، سالانه تنها ۱/۵ الی ۲ درصد ارزش دارایی‌ها، صرف هزینه نوسازی، نگهداشت و تعمیرات می‌شود. به اعتبار گزارش مدیرکل راهبری نظام نگهداری و تعمیرات معاونت امور مهندسی وزارت نفت (۱۳۹۴)، این عدد در ایران حدود ۲/۵ برابر شرکت‌های پیشرو بین‌المللی نفت است و این یعنی سالانه حدود ۱۵ میلیارد دلار ظرفیت برای بازار داخلی و تأمین و تدارک تجهیزات و خدمات مرتبط، صرفاً در حوزه هزینه نوسازی، نگهداشت و تعمیرات ایجاد خواهد شد.

ضروری است مدیران صنعت نفت به جایگاه واقعی این صنعت به‌عنوان یکی از بخش‌های پیشران در صنعت کشور و حتی در الگوی توسعه فناوری در سطح ملی آگاه شوند و در آن راستا، نقش خود را به‌درستی ایفا کنند. بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت از این دیدگاه، مسئولیت وزارت نفت در توسعه صنایع مرتبط با ساخت تجهیزات مورد نیاز نفت در داخل کشور بسیار سنگین است.^۲

1. Tordo and Anouti (2013).

۲. درخشان و تکلیف (۱۳۹۴)؛ ص ۶۸.

با توجه به آنچه بیان شد، این قراردادها برای ایجاد این ظرفیت‌های عظیم اقتصادی و به منظور حمایت از ساخت داخلی تجهیزات نفتی، به‌طور مشخص باید از مشخصه‌های زیر پیروی کنند:

- شاخص ۱- متضمن توسعه فناوری: با توجه به ارتباط وسیع تجهیزات نفتی با فناوری، این قراردادها باید بتوانند توان تولیدکنندگان داخلی را در دستیابی به دانش فنی افزایش دهند. به‌عبارت دیگر، این قراردادها به منظور تأمین نیازهای فناورانه صنعت ساخت تجهیزات نفتی باید متضمن توسعه فناوری در این عرصه باشند. با عنایت به سهم این صنعت در اقتصاد ایران، تحقق این ویژگی بدون تردید به ایجاد اقتصاد دانش‌بنیان در کشور نیز کمک شایانی می‌کند.
- شاخص ۲- زمینه‌ساز رشد اقتصادی: این قراردادها باید موجب رشد و بالندگی تولیدکنندگان داخلی شده و از این حیث، زمینه‌های لازم را برای تقویت اقتصاد ملی فراهم کنند. برای تحقق این ویژگی، این قراردادها باید از منظر ملاحظات علم اقتصاد، متضمن استفاده حداکثری از تجهیزات داخلی باشند. افزایش توان تولیدکنندگان داخلی نه‌تنها موجب رشد سهم استفاده از کالاهای داخلی در طول حیات صنعت نفت کشور شده، بلکه در تأمین نیازهای بازارهای هدف صادراتی نقش برجسته‌ای ایفا می‌کند. همچنین در کاهش واردات کالاها و قطعات مربوطه و اشتغال‌زایی از طریق رونق صنایع نوپای داخل و صنایع واسطه‌ای، تأثیر به‌سزایی خواهد داشت.
- شاخص ۳- توانمندسازی صنایع داخلی در التزام به رعایت اصول اقتصادی بنگاه‌داری: حمایت از سازندگان تجهیزات صنعت نفت در پرتو الزام سهم داخل، مغایر با برخی اصول استاندارد اقتصادی بنگاه‌داری نظیر رقابت‌پذیری قیمتی محصول داخل با مشابه خارجی است. بازار تضمین‌شده صنایع داخلی ساخت تجهیزات نفتی که ناشی از الزام سهم داخل است باید از طریق بلوغ صنایع مذکور و افزایش توان رقابت آنها با صنایع خارجی جبران شده و در نهایت منجر به خوداتکایی این صنایع شود. تداوم حمایت الزام سهم داخل از یک سو موجب افزایش مستمر هزینه تولید کالا و تجهیزات در داخل شده و از سوی دیگر تولیدکنندگان مورد حمایت را ناکارا و رقابت‌ناپذیر خواهد کرد. ضمن این‌که همواره هزینه‌های مضاعفی که ناشی از اختلاف قیمت کالای

داخلی با مشابه خارجی است را در قالب قراردادهای نفتی به کشور تحویل خواهد کرد. از این رو، قراردادهای نفتی باید به طور غیرمستقیم با افزایش کیفیت تجهیزات و به کارگیری فناوری‌های نوین در صنایع ساخت تجهیزات نفتی، فضای لازم را برای رعایت اصول بنگاه‌داری توسط سازندگان داخلی فراهم کند.

۲-۳. ملاحظات حقوقی الزام سهم داخل در بخش تجهیزات صنعت نفت

چارچوب حقوقی حاکم بر صنایع ایران نیز به فراخور قوانین، مقررات، قواعد، استانداردها و اصول اخلاقی و حاکمیتی موجود در کشور، تفاوت‌های آشکاری با دیگر نظام‌های حقوقی دارد. بحث درباره ملاحظات حقوقی ساخت داخلی تجهیزات بالادستی صنعت نفت این فضا را مهیا می‌نماید تا بتوان نسبت به نظام حقوقی این صنعت اظهار نظر کرد.

همان‌گونه که در قسمت سوم بیان شد، تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، عموماً تنها در قوانینی که به صورت مستقیم به مسأله «نفت» ارتباط داشته‌اند، به موضوع حمایت حقوقی از تأمین کالاها و خدمات داخلی، اشاره شده است. همچنین، ملاحظه گردید در آن دوره، الزام استفاده از تجهیزات ساخت داخل، مشروط به رعایت شرایط قیمت، کیفیت و در دسترس بودن گردیده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، حمایت از موضوع مذکور با کمرنگ شدن اثر آن در قانون نفت سال ۱۳۶۶ و قانون اصلاح قانون نفت سال ۱۳۶۶ مصوب سال ۱۳۹۰، در سایر اسناد و قوانین بالادستی، تکامل یافت، به گونه‌ای که علاوه بر اسناد سیاستی که در قسمت دوم به آن‌ها اشاره شد، در قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم بر حمایت از ساخت تجهیزات نفتی تأکید گردید. به‌استناد نسل‌های سه‌گانه قراردادهای بیع متقابل، در این دوره، اگرچه موضوع ساخت داخل در مفهوم بزرگ‌تری با عنوان سهم داخل قرار گرفت، لیکن الزام مزبور، به تدریج، مطلق به استفاده از حداقل ۵۱ درصد ظرفیت‌های داخلی شد.

اعتقاد بر این است که مبنای شناسایی نظام حقوقی حاکم بر توسعه صنایع داخلی ساخت تجهیزات نفتی در بخش بالادستی، قوانین ناظر بر این صنعت و الگوهای قراردادی استفاده از محصولات آن است^۱. همچنین، با توجه به استدلال قبلی مبنی بر ضرورت کفایت الگوهای قراردادی در حمایت از تجهیزات داخلی به دلیل سهم بالای تجهیزات به کار گرفته شده در

بستر این قراردادها، ضروری است قراردادهای نفتی با نظر داشت به نظام قانونی پیش گفته، از منظر ملاحظات حقوقی ارزیابی شود. از این منظر، این قراردادها منطقاً باید از مشخصه‌های زیر برخوردار باشند.

- شاخص ۴- حمایت قوانین ناظر بر قراردادها و الگوی قراردادی از خرید از داخل: قوانین ناظر بر این قراردادها باید پیش‌بینی‌های لازم را نسبت به حمایت حداکثری از تأمین تجهیزات نفتی از محل تولیدات داخلی اعمال کند. همچنین، قراردادهای نفتی باید به گونه‌ای طراحی شوند که نسبت به استفاده حداکثری از تجهیزات داخلی متعهد بوده و به رعایت این موضوع تمکین کنند.
- شاخص ۵- تأمین الزامات حقوقی انتقال فناوری: از آنجا که قبض فناوری در مواردی امکان‌پذیر است که فناوری در قالب یک کالا متبلور شده باشد، لذا از طرف دوم قرارداد انتظار می‌رود: الف) مالک فناوری تجهیزات مورد نظر بوده و یا مأذون به بهره‌گیری از آن باشد؛ ب) اسنادی را که برای انتفاع از فناوری موضوعه و انتقال آن ضروری است مشخص کند و آن را در اختیار کارفرما قرار دهد^۱ و ج) اصلاحات و اختراعات بعدی را نیز منتقل کند. همچنین، رعایت محدودیت‌های ناشی از اموال فکری در حوزه تجهیزات فناورانه، نباید مانع از توسعه فناوری ساخت تجهیزات در داخل شود. به‌ویژه، فناوری منتقل شده نباید محدود به استفاده از تجهیزات حاصله در حوزه خاص موضوع قرارداد یا در داخل کشور شود.
- شاخص ۶- ضمانت اجرا: ضمانت اجرا وسیله جلوگیری از تجاوز به حق و اجبار به رعایت آن است. بنابراین، ضمانت اجرای حق را به دو دسته اصلی می‌توان تقسیم کرد: ۱) پیشگیری از تجاوز به حق و ۲) اجبار مدیون به اجرای حق و جبران خسارت صاحب حق. اگر وسیله تجاوز به حق، قرارداد باشد، قانون یکی از این وسایل را برای رفع تجاوز انتخاب می‌کند: ۱) بطلان، ۲) عدم نفوذ و ۳) قابلیت فسخ^۲. قوانین و مقررات ناظر بر این صنعت باید ضمانت اجرای مؤثر و مستقیمی داشته باشند تا

۱. ابراهیمی و خوش‌چهره (۱۳۹۴)؛ ص ۷۱.

۲. همان؛ ص ۷۷.

۳. همان؛ ص ۷۸.

۴. کاتوزیان (۱۳۹۰)؛ صص ۳۲۲-۳۱۹.

مجریان، نیروی مؤثر برای اجبار به خرید از داخل، توسعه فناورانه صنایع داخلی ساخت تجهیزات نفتی و توانمندسازی آنها در رعایت اصول اقتصادی بنگاه‌داری را درک کرده و مبادرت به انجام تعهدات خود نمایندند.

۳-۳. شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای جدید نفتی

در این مطالعه، تصویب‌نامه‌های هیئت وزیران در خصوص شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای جدید نفتی از منظر ویژگی‌هایی که می‌تواند مسأله ساخت داخلی تجهیزات صنایع بالادستی نفت کشور را مورد حمایت قرار دهد، بررسی می‌شود.

پس از به‌کارگیری انواع قراردادهای نفتی در بالادستی صنعت نفت کشور، اینک مدل جدید این قراردادها از سوی وزارت نفت پیشنهاد شده است. این مدل قراردادی طی تصویب‌نامه‌ای با عنوان شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی نفت و گاز در تاریخ ۱۳۹۵/۵/۱۳ به تصویب هیئت وزیران رسیده و در تاریخ ۱۳۹۵/۶/۱۰ و ۱۳۹۶/۳/۲۴ اصلاحات نهایی آن از سوی هیأت وزیران ابلاغ شده است.^۱ شایان ذکر است، به همراه این الگوی قراردادی، تصویب‌نامه مورخ ۱۳۹۵/۵/۱۳ هیأت وزیران با موضوع نحوه نظارت بر انعقاد و اجرای قراردادهای نفتی و اصلاحیه مورخ ۱۳۹۵/۶/۷ آن نیز ارائه شده است.

به استناد تصویب‌نامه‌های هیأت وزیران^۲ و بر مبنای موضوع این مطالعه، قرارداد جدید نفتی ایران از ویژگی‌های زیر برخوردار است: *انواع قراردادهای نفتی در ایران*
ویژگی اول - روش‌های انتقال فناوری: به منظور انتقال و ارتقای فناوری ملی در حوزه عملیات بالادستی نفت و توانمندسازی شرکت‌های ایرانی برای اجرای پروژه‌های بزرگ داخلی و نیز حضور در بازارهای منطقه‌ای و بین‌المللی، چند روش پیش‌بینی شده است. اول، حضور شرکت‌های اکتشاف و تولید^۳ صاحب صلاحیت ایرانی^۴ به‌عنوان شریک شرکت

۱. این مدل قراردادی که ابتدا در تاریخ ۱۳۹۵/۷/۸ به تصویب هیأت وزیران رسیده بود، از سوی دستگاه‌های نظارتی و کارشناسان مورد نقد قرار گرفت. از این رو، هیأت وزیران در تصویب‌نامه‌های فوق‌الذکر اقدام به لغو مدل قبلی و بازنگری آن نمود.

۲. همان‌گونه که بیان شد در این مطالعه مبنای اظهارنظر در خصوص قرارداد جدید نفتی، تصویب‌نامه‌های پنج‌گانه‌ای است که الگوی این قراردادها را مشخص کرده است.

3. E&P: Exploration and Production Companies.

۴. علاوه بر شرکت‌های ایرانی، شرکت‌های اکتشاف و تولید که صددرصد سهام آن‌ها متعلق به اشخاص ایرانی است و

نفی خارجی در فرآیند اجرای قرارداد، به منظور انتقال و توسعه دانش فنی و مهارت‌های مدیریتی و مهندسی مخزن به آن‌ها در قراردادهای اصلی و فرعی و براساس برنامه انتقال و توسعه فناوری به عنوان بخشی از برنامه مالی عملیاتی سالانه^۱.

دوم، الزام شرکت نفتی خارجی به حداکثر استفاده از توان فنی و مهندسی، تولیدی، صنعتی و اجرایی کشور براساس قانون حداکثر (۱۳۹۱)؛ سوم، استفاده حداکثری از نیروی انسانی داخلی در اجرای قرارداد و ارائه برنامه جامع آموزشی جهت ارتقای کیفی این نیروها و انجام سرمایه‌گذاری‌های لازم در قالب هزینه‌های مستقیم سرمایه‌ای برای انجام برنامه‌های آموزشی و تحقیقاتی از جمله ارتقا و به‌روزرسانی مراکز تحقیقاتی موجود و ایجاد مراکز تحقیقاتی مشترک و یا اجرای طرح‌های تحقیقاتی مشترک مرتبط و در نهایت، چرخش سمت‌های مدیریتی و واگذاری تدریجی آن به طرف‌های ایرانی مشارکت به منظور انتقال دانش مدیریتی به طرف ایرانی.

سوابق قراردادهای بیع متقابل نشان می‌دهند در این قراردادها به منظور انتقال فناوری در توسعه ساخت تجهیزات فناورانه، عملاً استثناهایی بر ساخت داخل وضع می‌شود^۲ که به موجب آن، طرف دوم قرارداد، تجهیزات فناورانه را از شرکت‌های سازنده تجهیزات نفتی خریده و به کشور وارد کند. منطقاً هدف غایی از اعمال این استثنائات، انتقال فناوری ساخت تجهیزات از طریق تسلیم اسناد و اطلاعات تجهیز و یا حداکثر، ایجاد امکان مهندسی معکوس برای سازندگان داخلی و شرکت‌های دانش‌بنیان است و مشخصه‌های موجود در بخش انتقال فناوری در مصوبات هیأت وزیران نشان می‌دهد حکومت این استثناها بر قراردادهای IPC نیز مقدور خواهد بود.

ویژگی دوم - فقدان تضمین تعهدات توسط ارکان حاکمیتی: در قرارداد جدید نفتی،

بنا بر ضرورت‌های عملیاتی در خارج از ایران به ثبت رسیده‌اند (مانند شرکت‌های پتروپارس و پتروایران) نیز می‌توانند با تشخیص و تأیید وزارت نفت به‌عنوان شریک شرکت‌های معتبر نفتی خارجی حضور داشته باشند.

۱. شایان ذکر است برنامه مالی عملیاتی سالانه، برنامه‌ای است که در چارچوب طرح‌های عملیاتی و اصلاحات و بازنگری‌های لازم ناشی از واقعیت‌های پروژه و رفتار واقعی میدان توسط طرف دوم قرارداد (پیمانکار) تهیه و به تصویب طرف اول قرارداد (شرکت ملی نفت ایران) می‌رسد. تصویب این برنامه از سوی طرف اول قرارداد نهایی بوده و جهت اجرا توسط طرف دوم قرارداد ابلاغ می‌شود. این برنامه شامل جزئیات هزینه‌ها و عملیات لازم سالانه برای توسعه و بهره‌برداری است.

۲. در دو قانون حداکثر (۱۳۷۵ و ۱۳۹۱) و آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های مرتبط با آن، استثنائاتی نظیر تصویب شورای اقتصاد یا توافق وزیر نفت و وزیر صنعت، معدن و تجارت برای تأمین نیازها از خارج وضع شده است.

تعهدات ایجادشده در قرارداد، توسط دولت، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و بانک‌های دولتی تضمین نخواهد شد.

ویژگی سوم - چارچوب عملیات اجرایی: تمام عملیات اجرایی طرف دوم در چارچوب برآورد کلی طرح و نیز برنامه مالی عملیاتی سالانه مصوب و با مسئولیت و ریسک وی به انجام می‌رسد. ویژگی چهارم - انتخاب پیمانکاران فرعی و مرجع تصمیم‌گیری: انجام تمامی اقدامات مندرج در قرارداد (به جز مدیریت مجموعه پیمان و انجام مطالعات مهندسی مخزن) به پیمانکاران و سازندگان صاحب صلاحیت واگذار می‌گردد. انتخاب این پیمانکاران فرعی یا دست دوم طبق شیوه‌نامه‌ای که منضم به قرارداد است، توسط پیمانکار انجام و به تصویب کارگروه مشترک مدیریت^۱ می‌رسد. در هر قرارداد کارگروه مشترک مدیریت قرارداد تشکیل می‌شود که تصمیمات فنی، مالی و حقوقی در چارچوب قرارداد، واگذاری پیمان‌های دست دوم و نیز برنامه مالی عملیاتی سالانه را اتخاذ می‌کند. مسئولیت اجرای عملیات در چارچوب برنامه مالی عملیاتی مصوب برعهده طرف دوم قرارداد است. در جدول (۲) به اختصار به میزان توجه الگوی قرارداد جدید نفتی و سایر الگوهای قراردادی استفاده شده در بالادستی صنعت نفت ایران از منظر به‌کارگیری تجهیزات ساخت داخل پرداخته شده است.

جدول ۲- مقایسه الگوهای قراردادی از لحاظ استفاده از تجهیزات ساخت داخل

مرجع تصمیم‌گیرنده	نحوه حمایت از تجهیزات ساخت داخل	الگوی قراردادی
شرکت نفتی خارجی	الزام به خرید از داخل به‌جز در مواردی که تجهیز ساخت داخل در یکی از شرایط کیفیت، قیمت و سهل‌الحصول بودن، با مشابه خارجی قابل رقابت نباشد.	امتیازی نوین و مشارکتی
شرکت ملی نفت ایران	الزام به خرید از داخل به‌جز در مواردی که کالای داخل از لحاظ کیفیت یا مقادیر مورد نیاز قابل رقابت با مشابه خارجی نباشد. همچنین، چنانچه بیش از بیست درصد از قیمت مشابه خارجی، گران‌تر باشد.	خدماتی

۱. این کارگروه از تعداد مساوی نمایندگان طرف‌های اول و دوم قرارداد با حق رأی مساوی تشکیل می‌شود. تصمیمات این کارگروه به اتفاق آرا می‌باشد و باید به تأیید مقام مجاز در شرکت ملی نفت ایران برسد.

مرجع تصمیم‌گیرنده	نحوه حمایت از تجهیزات ساخت داخل	الگوی قراردادی
کمیته مدیریت مشترک	۱) الزام به استفاده از خدمات و منابع ایرانی، حداقل ۵۱ درصد هزینه‌های سرمایه‌ای؛ ۲) گزارش سه ماهه به شرکت ملی نفت در مورد مقادیر استفاده از خدمات و منابع ایرانی؛ ۳) کاهش حق‌الزحمه به‌ازای عدم رعایت مقررات سهم داخل و پرداخت پاداش، در صورت تحقق بیش از ۵۱ درصد سهم داخل	بیع متقابل
کارگروه مشترک مدیریت	واگذاری ساخت تمامی تجهیزات مورد نیاز طبق شیوه‌نامه‌ای به سازندگان صاحب صلاحیت و الزام شرکت نفتی خارجی به حداکثر استفاده از توان فنی و مهندسی، تولیدی، صنعتی و اجرایی کشور براساس قانون حداکثر (۱۳۹۱).	تصویب‌نامه‌های هیأت وزیران درباره قرارداد جدید نفتی

منبع: قانون نفت سال ۱۳۳۶، قانون نفت سال ۱۳۵۳، الگوی نسل سوم قراردادهای بیع‌متقابل و تصویب‌نامه‌های هیأت وزیران در خصوص شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای جدید نفتی.

۴. ارزیابی قرارداد جدید نفتی: ملاحظاتی در موانع و راهکارهای اقتصادی و حقوقی توسعه صنعت ساخت تجهیزات نفتی با تأکید بر انتقال فناوری

به سبب اصول قانونی حداکثر استفاده از توان فنی و مهندسی، تولیدی و صنعتی و اجرایی کشور و اعمال آن در قراردادهای پیمانکار مکلف است ضمن حداکثرسازی امکانات و توانمندی‌های داخل ایران در تمام فعالیت‌های مطالعاتی، مهندسی، پیمانکاری، ساختمانی، تأسیسات سطح‌الارضی و تحت‌الارضی، تأمین تجهیزات و کالاها و امور بازرگانی ذیربط، از آخرین فناوری و دانش فنی، حتی فناوری‌های موضوع مالکیت‌های فکری و یا فناوری مالی در این خصوص استفاده کند.^۱ در کشور ما برای افزایش سطح توان داخل در زمینه‌های مختلف، پشتوانه‌های اقتصادی و حقوقی مناسب و مساعدی طراحی شده است، با این وجود، به گواه فعالان موجود در صنعت ساخت تجهیزات نفتی، کارکرد نامطلوب آن‌ها در این صنعت به وضوح مشخص است. طراحی چارچوب‌های اقتصادی و حقوقی مناسب و اصلاح نظام موجود در این زمینه که خود ناظر بر انواع کارکردهای اقتصادی و حقوقی صنعت ساخت تجهیزات نفتی می‌باشد، می‌تواند گره از بخش اعظمی از مشکلات این صنعت بگشاید.

۱. ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۳)؛ ص ۱۸.

پس از آن که مدل پیشنهادی برای پوشش مسائل اقتصادی و حقوقی پیرامون موضوع چگونگی حمایت از ساخت داخلی تجهیزات بالادستی صنعت نفت و گاز کشور طراحی شد، پیاده‌سازی آن قطعاً مستلزم آشنایی با کاستی‌ها و الزامات قراردادهای بالادستی صنعت نفت کشور برای توسعه ساخت داخلی تجهیزات نفتی است. منطقاً تبلور بخش عظیمی از حمایت‌های داخلی از ساخت تجهیزات نفتی در عملیات بالادستی، در قراردادهای نفتی رخ خواهد داد. از این‌رو، رفع الزامات و کاستی‌های قراردادهای نفتی از این منظر، از مسائل اساسی محسوب می‌شود.

باید توجه داشت که در الگوی بیع متقابل و شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای جدید نفتی، عموماً موضوع افزایش توان ساخت تجهیزات نفتی در قالب موضوع بزرگ‌تری با عنوان افزایش توان داخل در کشورهای میزبان، مطرح می‌شود که خود شامل تجهیزات، کالاها و مواد، خدمات، منابع انسانی، آموزش و زیرساخت‌ها است. شاید دست‌یافتن به راه‌حلی که بتواند چالش‌های به‌کارگیری توان داخلی را برای شرکت‌های خارجی به حداقل برساند تا آن‌ها بتوانند به مشارکت با شرکت‌های داخلی اقدام کنند، ثمره اصلی حل این مسأله باشد.

۱-۴. ارزیابی شرایط عمومی، ساختار و الگوی قرارداد جدید نفتی از منظر شاخص‌های اقتصادی و حقوقی

با توجه به مشخصه‌های مورد نیاز برای قراردادهای نفتی و قوانین موضوعه که در چارچوب نظری ملاحظات اقتصادی و حقوقی توسعه صنعت ساخت داخل تجهیزات نفتی ارائه شد و همچنین با عنایت به ویژگی‌های قرارداد جدید نفتی، اکنون می‌توان در راستای توسعه صنعت موصوف و در بستر اجرای قرارداد جدید نفتی، موانع قابل مشاهده‌ای را به شرح زیر برشمرد:

۱) در بررسی شاخص اول با موضوع «تضمین توسعه فناوری» و شاخص پنجم با عنوان «تأمین الزامات حقوقی انتقال فناوری» به چند مورد اساسی باید توجه نمود: اول؛ مخاطب اصلی تولیدکنندگان داخلی برای کسب دانش فنی از طریق انتقال آن در چارچوب مصوبات هیأت وزیران، شرکت‌های نفتی بین‌المللی حاضر در طرف دوم این قراردادها نیستند. به موازات رقابتی شدن بازار جهانی نفت و تخصصی‌تر شدن فرآیند عملیات در

این صنعت، بازیگران جدیدی مانند پیمانکاران نفتی، شرکت‌های سازنده تجهیزات نفتی، شرکت‌های خدماتی - مشاوره‌ای و شرکت‌های مهندسی و ساخت در بخش بالادستی نفت فعالانه وارد این بازار شده‌اند به نحوی که امروزه شرکت‌های نفتی بین‌المللی نوعاً راهبرد «خرید» فناوری‌های پیشرفته را جایگزین راهبرد «ساخت» این فناوری‌ها کرده‌اند. بنابراین، شرکت‌های نفتی بین‌المللی، خود خریدار کالاهای فناورانه بوده و برای انتقال فناوری در این زمینه باید از توان شرکت‌های دیگری استفاده کنند که این امر برای آن‌ها عملاً پرهزینه خواهد بود. از این‌رو، طرف دوم قرارداد در این الگو، مالک فناوری تجهیزات مورد نظر نبوده، مآذون به بهره‌گیری از آن نیست و اسنادی را که از تجهیز مورد نظر ارائه می‌دهد، صرفاً در سطح «اسناد راهنمای کاربر» خواهد بود. طبعاً اصلاحات و اختراعات بعدی نیز از سوی طرف دوم قرارداد دریافت و منتقل نمی‌شود.

۲) پیش‌بینی‌های مذکور در ویژگی اول الگوی قرارداد جدید نفتی ایران، عموماً ناظر بر انتقال فناوری در فرآیندها بوده و بر انتقال فناوری در ساخت، تمرکز مختصری دارد. فرآیندمحور بودن شرکت ایرانی شریک، از یک سو و طراحی برنامه‌های آموزشی برای انتقال فناوری‌های فرآیندی، توأم با آموزش فرآیندهای مدیریتی به منظور انتقال دانش مدیریتی از سوی دیگر، همگی بر غفلت ساختار و شرایط الگوی موجود از انتقال فناوری در ساخت تجهیزات تأکید دارد. تنها نقطه قابل اتکاء، الزام شرکت‌های نفتی به حداکثر استفاده از توان تولیدی و صنعتی کشور است که در بررسی مشخصه چهارم مورد بحث قرار خواهد گرفت.

۳) چنانچه به سبک قراردادهای بیع متقابل، پس از رعایت الزام استفاده حداکثری از سهم داخل، توسعه فناوری در تجهیزات بالادستی به معنی خرید، واردات و تسلیم اسناد تجهیزاتی است که شرکت‌های ایرانی، توان ساخت آن‌ها را ندارند، آنگاه این سوال ایجاد می‌شود که چه الزامی به واسطه‌گری طرف دوم در خرید تجهیزات فناورانه مورد نیاز در قالب قرارداد جدید نفتی است، در حالی که کارفرما می‌تواند رأساً نیازهای خود را برطرف کرده و انتقال فناوری را مستقیماً از طریق شرکت‌های مطرح سازنده تجهیزات نفتی مطالبه کند.

۴) انتقال فناوری ساخت تجهیزات فناورانه از طریق مهندسی معکوس تجهیزات وارداتی توسط شرکت‌های نفتی بین‌المللی، نمی‌تواند ذیل محدودیت‌های ناشی از مالکیت فکری

قرار گیرد، زیرا همان‌طور که بیان شد، در الگوی طراحی شده، هیچ قرارداد مستقیم یا غیرمستقیمی برای انتقال فناوری بین کارفرما و مالک تجهیزات فناورانه منعقد نشده است. بنابراین، آنچه از این طریق به دست می‌آید، حاصل تلاش درونزای مهندسان و استادان بخش بالادستی نفت کشور و سازندگان تجهیزات نفتی خواهد بود.

۵) اصولاً امروزه در تمام قراردادهای بالادستی، ریسک عملیاتی به شرکت پیمانکار (عامل) منتقل می‌شود و هزینه‌های ناشی از هرگونه خطا و اشتباه در اجرای عملیات به عهده طرف دوم خواهد بود. با عنایت به این که تجهیزات مورد استفاده در جریان عملیات نفتی عموماً حامل ریسک‌های بالا و متوسط بوده و با توجه به این که تجهیزات ساخت داخل هنوز نتوانسته استانداردهای بین‌المللی^۱ لازم را برای اطمینان بخشی به مجریان عملیات کسب کنند، لذا همواره این تمایل وجود دارد که واگذاری اقدامات مندرج در قرارداد به سازندگان صاحب صلاحیت خارجی انجام شده و به نظر می‌رسد توجیحات کافی برای تصویب کارگروه مشترک مدیریت در این زمینه وجود داشته باشد.

به این مشکل، می‌توان موضوعات اقتصادی در خصوص رعایت اصول بنگاهداری و قیمت تمام شده رقابتی را نیز اضافه نمود. ضعف ساختار صنعتی کشور و کاستی‌های موجود در دانش و مهارت‌های فنی لازم برای ساخت تجهیزات با فناوری‌های متوسط و پیشرفته، مانع از رقابت پذیری قیمتی سازندگان داخلی شده و آخرین سند حمایتی وزارت نفت در این زمینه با عنوان «شیوه‌نامه حمایت از تولید داخل و شفاف‌سازی معاملات»^۲ نیز فقط تا سقف افزودن هزینه‌های ناچیز مانند هزینه‌های حمل، بیمه و حقوق گمرکی به قیمت کالاهای مشابه خارجی، حاضر است از تولیدکننده داخلی حمایت کند.^۳ در هر حال، تولید داخلی تجهیزات نفتی، عموماً مستلزم سرمایه‌گذاری زیادی بوده و تولیدکننده داخلی باید نسبت به فروش کالای خود، اطمینان لازم را کسب نماید و این تنها در صورتی محقق

۱. از آن جمله می‌توان به دریافت مونوگرام از API یا Euro Stamp اشاره کرد.

۲. ابلاغی از سوی وزیر نفت در تاریخ ۱۳۹۳/۷/۵.

۳. بند (۲) این شیوه‌نامه بیان می‌کند: «در تمامی معاملات خرید کالا، ملاک ارزیابی و مبنای مقایسه بین قیمت‌های تولیدات داخلی کالاهای خارجی باید قیمت‌های همسنگ شده بین این کالاها باشد. قیمت همسنگ شده کالاهای خارجی پس از افزودن هزینه‌های حمل و بیمه از خارج تا ایران و با منظور کردن حقوق دولتی (مانند حقوق گمرکی، سود بازرگانی و موارد مشابه) به دست خواهد آمد. بدین معنا که قیمت کالاهای مشابه خارجی و داخلی باید در نقطه مشابه پس از عبور از گمرک ایران همسنگ و سپس با همدیگر مقایسه شوند. مبنای مقایسه قیمت تمام شده کالاهای خارجی پس از ترخیص از گمرک و برای سازنده داخلی تحویل در خروجی کارخانه است.»

خواهد شد که نهادهای تنظیم‌کننده بازار تجهیزات نفتی ساخت داخل، حمایت‌هایی را اعمال نمایند. این قبیل حمایت‌ها به هیچ عنوان در الگوی طراحی شده لحاظ نشده است.

۶) یگانه قانون ناظر بر موضوع استفاده از تجهیزات نفتی ساخت داخل در قرارداد جدید نفتی، قانون حداکثر (۱۳۹۱) است. در مقایسه الگوی جدید با شرایط پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، می‌توان گفت این قانون، جایگزین شرایط انعقاد قراردادهای نفتی در ماده ۲۴ قانون نفت ۱۳۵۳ شده است. به خاطر داریم که در آن قانون، استفاده از کالاها و خدمات خارجی وقتی مجاز بود که به تشخیص شرکت ملی نفت ایران: الف) کالاها و خدمات داخلی از لحاظ کیفیت مناسب نباشد؛ ب) کالاها و خدمات داخلی به مقادیر مورد نیاز در دسترس نباشد و ج) قیمت کالاها و خدمات داخلی بیش از بیست درصد از قیمت کالاها و خدمات خارجی گرانتر باشد.

ره‌آوردهای قانون فعلی تاحدودی مشابه قانون قبلی است، با این وجود، تفاوت‌های فیمابین ناظر بر ضعف قانون فعلی است. اولاً، در قانون فعلی و به منظور حمایت از به کارگیری تجهیزات داخلی، طرف دوم قرارداد جدید نفتی باید به گونه‌ای برنامه‌ریزی کند که حداقل ۵۱ درصد هزینه اجرای قرارداد را به صورت کار در داخل کشور صورت دهد. با توجه به نقاط ضعف تولیدات داخل، عملاً شرکت نفتی خارجی تمایل به رعایت این سهم در بخش خدمات خواهد داشت. ثانیاً، تفاوت قیمتی بیش از بیست درصدی در قانون نفت ۱۳۵۳، اکنون صرفاً به هزینه‌های حمل و گمرکی تنزل یافته است. با توجه به تعرفه‌های گمرکی پایین تجهیزات نفتی، به نظر می‌رسد حمایت قیمتی از تجهیزات ساخت داخل، تضعیف شده باشد. ثالثاً، اعمال استثنائاتی نظیر ماده (۱۱) قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت و به تبع آن، قرار گرفتن اختیار نقض این قانون در میادین مشترک به وزیر نفت، از اهمیت قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور، در این زمینه کاسته است! ناگفته نماند که به استناد تبصره ماده (۲) تصویب‌نامه مورخ ۱۳۹۵/۵/۱۶ (موضوع بند ۲ اصلاح تصویب‌نامه در خصوص شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی

۱. ماده (۱۱) قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت بیان می‌کند: «واگذاری و اجرای طرح‌های مربوط به اکتشاف، توسعه، تولید، تعمیر و نگهداشت میادین مشترک نفت و گاز با تأیید وزیر نفت و فقط با رعایت آیین‌نامه معاملات شرکت ملی نفت ایران از شمول قانون برگزاری مناقصات مستثنی است. تبصره ۱- در اجرای این ماده، تعیین حداقل سهم ارزش کار طرف ایرانی موضوع ماده (۳) قانون حداکثر استفاده از توان فنی مهندسی، تولیدی، صنعتی و اجرائی کشور در اجرای پروژه‌ها و ایجاد تسهیلات به منظور صدور خدمات مصوب ۱۳۷۵/۱۲/۱۲ بر عهده وزیر نفت است.» خاطر نشان می‌شود قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور، جایگزین قانون مذکور در این ماده شده است.

نفت و گاز مورخ ۱۳۹۵/۶/۱۰) میدین مشترک، اصلی ترین خاستگاه استفاده از قراردادهای جدید نفتی هستند. رابعاً، اختیار انحصاری تصمیم‌گیری برای خرید یا عدم خرید تجهیزات ساخت داخل از شرکت ملی نفت ایران به کارگروه مشترک مدیریت واگذار شده که از تعداد مساوی نمایندگان طرف‌های اول و دوم قرارداد با حق رأی مساوی تشکیل شده‌است. در مقایسه الگوی جدید با نسل سوم قراردادهای بیع متقابل نیز می‌توان گفت پیش‌بینی کاهش حق الزحمه به‌ازای عدم رعایت یا رعایت ناقص مقررات سهم داخل، در تصویب‌نامه‌های موضوعه و به همان کیفیت در قانون ناظر بر قرارداد جدید، ملاحظه نمی‌شود.

۷) مطالعه قوانین ناظر بر صنایع ساخت داخل تجهیزات نفتی، حاکی از آن است که هیچ‌یک از قوانین مزبور حاوی ضمانت اجرای مؤثر و مستقیم نیست. از این‌رو، چنانچه در یک قرارداد جدید نفتی، کارگروه مشترک مدیریت، برخلاف قواعد مقرر، با خرید یک یا چند قلم تجهیز از خارج موافقت نماید، آنگاه در هیچ‌یک از قوانین ناظر، پیش‌بینی لازم برای بطلان، عدم نفوذ یا فسخ قرارداد، به‌عنوان وسیله تجاوز به حقوق سازندگان داخلی، مشاهده نمی‌شود.

۴-۲. پیشنهادهای اصلاحی

همان‌گونه که مشخص شد، شرایط عمومی، ساختار و الگوی قرارداد جدید نفتی ایران در توسعه صنعت ساخت تجهیزات نفتی با دو نوع ناکارایی مواجه است. برخی از ناکارایی‌ها با اعمال اصلاحاتی قابل رفع بوده و برخی از آن‌ها در بستر این مدل قراردادی، غیرقابل اصلاح به نظر می‌رسند.

موضوع انتقال و توسعه فناوری که در پرتو تأمین نیازهای فناورانه صنعت ساخت تجهیزات نفتی متبلور شد، با اشکالات غیرقابل اصلاح مواجه است. این مسأله از انتظار تأمین نیازهای فناورانه از طرف دوم قرارداد جدید نفتی نشأت می‌پذیرد. استدلال شد که طرف دوم این قراردادها ماهیتاً با موضوع فناوری در ساخت تجهیزات نفتی بیگانه بوده و توان انتقال دانش فنی به سازندگان داخلی را نخواهد داشت. بنابراین چنانچه موضوع انتقال فناوری در قرارداد جدید نفتی بین موضوعات «فناوری در فرآیند» و «فناوری در ساخت» توزیع گردد، باز هم طرف دوم قرارداد اقدام خاصی از پیش نخواهد برد.

ایجاد هماهنگی فیمابین بحث انتقال فناوری به روش واسطه‌گری طرف دوم قرارداد در واردات تجهیزات فناورانه با استفاده از استثنائات پیش‌بینی شده برای لغو قاعده الزام

سهم داخل از طریق تعهد طرف دوم به تأمین فضای مناسب برای انتقال فناوری از سوی شرکت‌های سازنده تجهیزات نفتی به سازندگان ایرانی، امکان‌پذیر است. البته این هماهنگی با توجه به پیچیدگی‌های موجود در آن، نظیر حضور طرف‌های غیرمرتبط در موضوع انتقال فناوری، غیرمنطقی و غیرقابل اجرا به نظر می‌رسد.

شاخص دوم با موضوع «توانمندسازی صنایع داخلی در التزام به رعایت اصول اقتصادی بنگاه‌داری» نیز در الگوی قرارداد جدید نفتی غیرقابل اصلاح است. این ناکارایی از عدم التزام الگوی موجود به ارتقای سطح تولیدکنندگان ایرانی تجهیزات نفتی از روش‌های متنوع نظیر افزایش مستمر کیفیت تجهیزات و به‌کارگیری فناوری‌های نوین در صنایع ساخت تجهیزات نفتی، نتیجه می‌شود. اصولاً چارچوب طراحی شده هیأت وزیران برای قرارداد جدید نفتی، به گونه‌ای نیست که بتواند برنامه‌ریزی خاصی برای توانمندسازی تولیدکنندگان داخلی در جهت تبدیل شدن به یک بنگاه اقتصادی کارآمد صورت دهد.

برخلاف موضوعات شاخص‌های اول، سوم و پنجم، تأمین سایر شاخص‌ها، در بستر قرارداد جدید نفتی، قابل انجام است. شاخص‌های دوم و چهارم از طریق تأمین گواهی استاندارد معتبر برای کالاهای ساخت داخل و تلاش در جهت رفع ناکارایی تولیدکنندگان داخلی به منظور افزایش قدرت رقابت‌پذیری قیمتی میسر می‌شود. در صورت تحقق این موارد و همچنین با اعمال نفوذ نهادهای تنظیم‌کننده بازار در ساخت تجهیزات بزرگ‌ترین صنعت کشور، به راحتی می‌توان با ایجاد تغییرات اندکی در مفاد الگوی قرارداد جدید نفتی، طرف دوم قرارداد را به تمکین نسبت به استفاده حداکثری از کالای داخلی ترغیب کرد.

ناکارایی ناشی از قانون ناظر بر قرارداد مورد بحث که در سایه توجه به شاخص چهارم استدلال گردید، قابل رفع است. با توجه به آن که قانون حداکثر (۱۳۹۱)، به طور مستقیم به موضوع تجهیزات نفتی نمی‌پردازد، لذا قانونگذار با در نظر داشتن جامعیت تمام بخش‌ها، ناگزیر به اعمال شرایط خاصی در آن شده که این شرایط، به ضرر تولیدکننده تجهیزات نفتی قلمداد شده است. در این خصوص، پیشنهاد می‌شود ضمن توجه مجدد به ابعاد اقتصادی و حقوقی حمایت از صنعت مذکور، شرایطی در قرارداد جدید نفتی لحاظ شود که به‌طور مستقیم بر حمایت از خرید کالاها و تجهیزات مورد نیاز در قرارداد اشاره کند.

عدم توجه به ضمانت اجرای مؤثر و مستقیم در قوانین حامی صنایع ساخت تجهیزات نفتی در بخش بالادستی که حاصل بررسی شاخص ششم است، با موشکافی و اصلاح قوانین

موضوعه مرتفع می‌شود. اصلاحات باید به نحوی باشد که از یک‌سو، با اعمال پیش‌بینی‌های مناسب، از وقوع تجاوز به حقوق سازندگان داخلی پیشگیری کرده و از سوی دیگر، مجریان قرارداد جدید نفتی را به حمایت از ساخت داخل تجهیزات موضوع این مطالعه ترغیب و خسارت‌های احتمالی را جبران کند. از آنجا که وسیله تجاوز به حق، قرارداد است، لذا پیش‌بینی‌ها باید مبتنی بر بطلان، عدم نفوذ یا فسخ قرارداد بوده و میزان خسارت پرداختی ناشی از عدم به‌کارگیری تجهیزات داخلی باید در متن قرارداد تصریح شود.

جدول ۳- پیشنهادهای اصلاحی بر مبنای ملاحظات اقتصادی و حقوقی

نوع شاخص	شماره شاخص	عنوان شاخص	پیشنهادهای اصلاحی
شاخص‌های اقتصادی	۱	تضمین توسعه فناوری	شرایط عمومی، ساختار و الگوی قرارداد جدید نفتی در تأمین این شاخص، ناکارا است.
	۲	زمینه‌ساز رشد اقتصادی	تعهد طرف دوم قرارداد به: ۱. ارتقای کیفیت تجهیزات داخلی و تلاش در جهت استانداردسازی کالاهای ساخت داخل؛ ۲. رفع ناکارایی تولیدکنندگان داخلی به منظور افزایش قدرت رقابت‌پذیری قیمتی.
	۳	توانمندسازی جهت رعایت اصول بنگاهداری	شرایط عمومی، ساختار و الگوی قرارداد جدید نفتی در تأمین این شاخص، ناکارا است.
شاخص‌های حقوقی	۴	حمایت قوانین ناظر بر قرارداد و الگوی قراردادی	۱. لغو تمام شکاف‌های شناسایی شده در قانون ناظر، از طریق تصریح در متن قرارداد. ۲. ایجاد تغییرات در مفاد الگوی قرارداد جدید نفتی در جهت تمکین طرف دوم قرارداد به استفاده حداکثری از کالای داخلی.
	۵	تأمین الزامات حقوقی انتقال فناوری	شرایط عمومی، ساختار و الگوی قرارداد جدید نفتی در تأمین این شاخص، ناکارا است.
	۶	ضمانت اجرا	اعمال اصلاحات در قوانین ناظر به دو صورت: ۱. پیشگیری از تجاوز به حقوق سازندگان داخلی؛ ۲. پیش‌بینی خسارت‌های احتمالی.

منبع: یافته‌های تحقیق.

جمع‌بندی و ملاحظات

در این مقاله ابتدا بر اهمیت صنعت ساخت تجهیزات نفتی اشاره شد. جایگاه اقتصادی صنعت نفت در میان صنایع فعال کشور نشان داد که ایجاد توانمندی ساخت داخل تجهیزات این صنعت، یکی از عوامل اساسی حفظ منافع عمومی و تقویت امنیت ملی محسوب می‌شود. هزینه‌های سنگین تحمیل‌شده و خسارت‌های وارده در دوران تحریم‌های صنعت نفت، مثال بارزی در تأیید این مدعا است. فناورمحور بودن کالاهای مورد استفاده در صنعت نفت نیز از عوامل دیگر اهمیت ساخت این تجهیزات در داخل است. با توجه به حجم و اندازه صنعت نفت ایران، توسعه اقتصادی مبتنی بر دانش و فناوری از این طریق، دور از انتظار نخواهد بود. رشد درون‌زای اقتصاد ملی و توسعه بازارهای صادراتی و هم‌راستایی این صنعت با سیاست‌های کلی نظام نیز بر اهمیت ساخت داخل تجهیزات نفتی می‌افزاید.

در ادامه، به منابع حقوق نفت در حمایت از ساخت و به‌کارگیری تجهیزات داخلی در صنعت نفت اشاره شده و مشخص گردید که نخستین بار در اولین اساسنامه شرکت ملی نفت ایران در سال ۱۳۳۱ به لزوم تمکین به استفاده از کالاهای ساخت داخل اشاره شده است. هرچند اجرای آن، عملاً پس از ابلاغ اولین قانون نفتی کشور در سال ۱۳۳۶ در قراردادهای هویدا شد. قانون نفت ۱۳۵۳ نیز تعبیر نسبتاً مشابهی از اهمیت این موضوع ارائه داد.

با تغییرات محتوایی ایجادشده در قوانین نفت سال ۱۳۶۶ و ۱۳۹۰ و عدم پرداختن به روش‌های انعقاد قرارداد در آن‌ها، حمایت‌های مورد نظر، علاوه بر برخی از قوانین موجود، در الگوی قراردادهای بیع متقابل و ساختار، شرایط عمومی و الگوی قرارداد جدید نفتی ظاهر گردید که به آن پرداخته شد.

با بررسی ملاحظات اقتصادی و حقوقی ساخت داخل تجهیزات صنعت نفت، مشخصه‌های مناسب برای قرار گرفتن در الگوی قرارداد جدید نفتی و قوانین مربوطه احصاء گردید. تحقق این مشخصه‌ها در تطبیق با متن تصویب‌نامه هیأت وزیران برای ساختارسازی قرارداد جدید نفتی، کاشف از موانعی بود که ضمن اشاره به آن‌ها، مشخص گردید که در ساختار قرارداد جدید نفتی، برخی از نواقص و ناکارایی‌ها غیرقابل رفع و برخی از آن‌ها با اعمال اصلاحاتی قابل حل است.

با توجه به این که مصوبات هیأت وزیران صرفاً تبیین‌کننده چارچوب قراردادهای جدید

نفتی ایران است، پیشنهاد می‌شود یافته‌های حاصل از این تحقیق در قراردادهای منعقدۀ ذیل این الگوی قراردادی، به‌منظور افزایش کارایی و به تبع آن، افزایش حمایت از صنعت ساخت تجهیزات نفتی، استفاده شود. همچنین پیشنهاد می‌شود قانونگذار در قوانین ناظر بر این صنعت، ضمانت اجرای مؤثر و مستقیم لحاظ کند.

بدون شك تحقق رشد و توسعه اقتصادی کشور و دستیابی به اقتصاد دانش‌بنیان، درهم‌تنیدگی قابل‌توجهی با صنعت نفت و متعلقات آن دارد. با عنایت به سهم تجهیزات نفتی در ساختار اقتصادی صنعت نفت، حمایت از تولید داخلی این تجهیزات، می‌تواند علاوه بر ایجاد تمامی منافع بیان شده، نویدبخش رشد اقتصادی روزافزون کشور باشد.



منابع

- ابراهیمی، سید نصرالله و محمد شیرجیان (۱۳۹۳)؛ «قراردادهای بالادستی نفت و گاز و تبیین دلالت‌های قانونی و الزامات قراردادهای جدید»، پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران، سال سوم، ش. ۱۰، صص ۳۹-۱.
- ابراهیمی، سید نصرالله؛ محمدحسن صادقی مقدم و نرگس سراج (۱۳۹۱)؛ «انتقادهای وارده بر قراردادهای بیع متقابل صنعت نفت و گاز ایران و پاسخ‌های آن»، فصلنامه حقوق دانشگاه تهران، دوره ۴۲، ش. ۴، صص ۱۹-۱.
- ابراهیمی، سید نصرالله و فاطمه خوش‌چهره (۱۳۹۴)؛ «استفاده، انتقال و توسعه تکنولوژی در صنایع بالادستی نفت و گاز»، فصلنامه حقوق پزشکی، ویژه‌نامه حقوق مالکیت فکری، ش. ۶۵، صص ۱۰۲-۶۵.
- ابراهیمی، سید نصرالله؛ مهدی منتظر و فرزاد مسعودی (۱۳۹۳)؛ «اصول قانونی حاکم بر قراردادهای خدماتی بالادستی صنعت نفت و گاز ایران»، پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران، سال سوم، ش. ۱۲، صص ۲۶-۱.
- امور حقوقی شرکت ملی نفت ایران (۱۳۹۳)؛ مجموعه قوانین و مقررات نفت، گاز و پتروشیمی (پیش از مشروطیت تا کنون). جلد اول و دوم، چاپ دوم، تهران: روابط عمومی شرکت ملی نفت ایران.
- «تصویب‌نامه هیأت وزیران با موضوع شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی نفت و گاز» (۱۳۹۵/۵/۱۶). روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.
- «تصویب‌نامه هیأت وزیران با موضوع اصلاح تصویب‌نامه شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی نفت و گاز» (۱۳۹۵/۶/۱۰)؛ روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.
- «تصویب‌نامه هیأت وزیران با موضوع الحاق تبصره ۴ به بند الف ماده ۴ شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی نفت و گاز» (۱۳۹۶/۳/۲۴)؛ روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.
- «تصویب‌نامه هیأت وزیران با موضوع نحوه نظارت بر انعقاد و اجرای قراردادهای نفتی» (۱۳۹۵/۵/۱۶)؛ روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.
- «تصویب‌نامه هیأت وزیران با موضوع اصلاح نحوه نظارت بر انعقاد و اجرای قراردادهای نفتی» (۱۳۹۵/۶/۱۰)؛ روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.
- تکلیف، عاطفه؛ یوسف جوادی‌نیا و محسن زاهدی موحد (۱۳۹۳)؛ «توسعه صنعت تجهیزات نفت در چارچوب اقتصاد مقاومتی: راهکاری برای مقابله با تکانه درآمدهای نفتی». همایش ملی اقتصاد مقاومتی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران.
- حاتمی، علی و اسماعیل کریمیان (۱۳۹۳)؛ حقوق سرمایه‌گذاری خارجی در پرتو قانون و قراردادهای سرمایه‌گذاری، چاپ اول، تهران: انتشارات تیسرا، ۱۱۷۴ صفحه.
- خبرگزاری شانا، مصاحبه با معاون برنامه‌ریزی و نظارت بر منابع هیدروکربنی وزارت نفت (۱۳۹۲/۷/۱۹).
- درخشان، مسعود و عاطفه تکلیف (۱۳۹۴)؛ «انتقال و توسعه فناوری در بخش بالادستی صنعت نفت ایران: ملاحظات در مفاهیم، الزامات، چالش‌ها و راهکارها». پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران، دوره ۴، ش. ۱۴، صص ۸۸-۳۳.
- درخشان، مسعود (۱۳۹۲)؛ «ویژگی‌های مطلوب قراردادهای نفتی: رویکرد اقتصادی - تاریخی به عملکرد قراردادهای نفتی در ایران»، پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران، سال سوم، ش. ۹، صص ۱۱۳-۵۳.

- سامانه قوانین مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، <http://rc.majlis.ir/fa/law>
- سیدشهبیدی، پردیس السادات؛ فرهاد قلمباز و علی اصغر اسفندیاری (۱۳۹۰)؛ «اهمیت صنعت نفت در ایجاد تولید و اشتغال در اقتصاد ایران و تأثیر آن بر سایر فعالیت‌های اقتصادی»، فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، سال اول، ش. ۲، صص ۱۶۱-۱۳۳.
- شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۳)؛ حقوق نفت و گاز، نشر میزان، تهران، ۷۱۲ صفحه.
- شیروی، عبدالحسین و علیرضا پوراسماعیلی (۱۳۹۰)؛ «مطالعه تطبیقی الزام سهم داخل در قوانین و مقررات ایران و مقررات سازمان تجارت جهانی»، مجله حقوقی دادگستری، ش. ۷۴، صص ۶۸-۴۱.
- شیوه‌نامه حمایت از تولید داخل و شفاف‌سازی معاملات، وزارت نفت (۱۳۹۳).
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۰)؛ مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، چاپ ۷۹، تهران، انتشارات شرکت سهامی انتشار، ۳۸۵ صفحه.
- کاظمی نجف‌آبادی، عباس (۱۳۹۳)؛ آشنایی با قراردادهای نفتی، چاپ اول، تهران: انتشارات شهر دانش. ۲۱۰ صفحه.
- گزارش مدیریت کل راهبری نظام نگهداری و تعمیرات معاونت امور مهندسی وزارت نفت (۱۳۹۴)؛ وزارت نفت.
- گزارش معاونت پژوهشی وزارت نفت (۱۳۹۵)؛ همایش صنعت نفت دانش بنیان، تبلور اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی.
- نیلی، مسعود (۱۳۹۴)؛ گزارش سرمایه‌گذاری در بخش نفت و رشد اقتصادی ایران، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
- Garsia Riberio, Cassio and Andre Tosi Furtado (2014); "Government Procurement Policy in Developing Countries: The Case of Petrobras", *Science, Technology & Society*.
- Hauge, D.M. (1992); "The International Transfer of Technology: Lessons That East Europe Can Learn From The Failed Third World Experience", *Harvard Journal of Law & Technology*, vol.5, pp 209-240.
- Tordo, Silvana and Others (2013); *Local Content Policies in the Oil and Gas Sector*. World Bank.
- Tordo, Silvana and Yahya Anouti (2013); *Local Content in the Oil and Gas Sector: Case Studies*. World Bank.